ویرایش نوبت چهارم ۱۴۰۳
منطبق با قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۴۰۲

باب هفتم حاوی:
احکام نهادهای شبه قضایی و تعریف آن (کمیسیون ماده صد / ماده ۵۵ / ۹۹ قانون شهرداری‌ها و ... / هیأت تشخیص / هیأت حل اختلاف اداره کار و...) و انواع دادخواست دیوان عدالت اداری

باب هشتم حاوی:
انواع دعاوی بدوی سابق / تجدیدنظر (سابق) / قطعی / شعب تشخیص / اصلاحی / ثالث / اعاده دادرسی / و...
بانضمام: آراء هیأت عمومی دیوان عالی اداری / نظریات مشورتی / و...


اللهم صل على علي بن موسى الرضا المرتضى

فهرست

باب هفتم- راهنمای جامع آیین نگارش دیوان عدالت اداری ۲۲
فصل اول- بخش اول / الف موادی از قانون شهرداری ۲۲
«موادی از قانون شهرداری» ۲۳
درباره کمیسیون‌های رسیدگی به تخلفات ساختمانی مصوب ۱۳۳۴/۴/۱۱ ..... ۲۳
نمونه دادخواست دیوان عدالت اداری اعتراض به رأی کمیسیون ماده صد قانون شهرداریها/ ذی‌نفع / ذی‌سمت ۲۸
نمونه دستور موقت منطبق با قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۴۰۲ ..... ۳۷
نمونه دیگر/ دستور موقت ۳۸
نمونه حکم شعبه تجدیدنظر دیوان/ تایید رأی کمیسیون ماده صد ۳۹
نمونه دادخواست تجدیدنظر/ احتساب سنوات خدمت جانبازان و معلولین ۴۰
رأی بدوی/ حکم به حدود شکایت ۴۱
رأی شعبه تجدیدنظر/ نقض حکم بدوی و قرار رد شکایت ۴۲
نمونه رأی دیوان/ تبدیل وضعیت استخدامی ۴۳
رأی تجدیدنظر/ تأیید حکم بدوی ۴۵

فصل اول- بخش اول / ب- شهرداریها ۴۶
فصل ششم ـ در وظایف شهرداری ۴۷
فصل اول/ بخش اول / ج- شهرداریها ۵۱
برگ گزارش دایره طرح تفضیلی ۵۲
نمونه فرم خلاف ساختمانی ۵۳
رأی کمیسیون بدوی ماده صد شهرداری تهران ۵۴
رأی کمیسیون تجدیدنظر ماده صد شهرداری تهران ۵۵
برگ اعلام اتمام عملیات ساختمانی توسط مهندس ناظر ۵۶
رأی کمیسیون ماده صد شهرداری شیراز ۵۷
رأی کمیسیون بدوی ماده صد شهرداری ۵۸
رأی کمیسیون تجدیدنظر ماده صد شهرداری ۵۹
نمونه رأی کمیسیون بدوی ماده صد شهرداری ۶۰
کمیسیون تجدیدنظر ماده صد شهرداری / تأیید رأی بدوی ۶۱
رأی کمیسیون بدوی ماده صد شهرداری ۶۲
نمونه رأی کمیسیون تجدیدنظر ماده صد شهرداری ۶۳
نمونه رأی کمیسیون تجدیدنظر ماده صد شهرداری «فسخ فراز اول رأی بدوی» ۶۴
نمونه رأی کمیسیون تجدیدنظر ماده صد شهرداری (هم‌عرض) ۶۵
نقض قسمتی و تأیید دیگر قسمت‌های رأی با توجه به مفاد رأی دیوان ۶۵
نمونه رأی کمیسیون بدوی ماده صد شهرداری ۶۶
نمونه رأی کمیسیون بدوی ماده صد شهرداری ۶۷
نمونه رأی کمیسیون تجدیدنظر ماده صد شهرداری ۶۸
نمونه رأی کمیسیون تجدیدنظر ماده صد شهرداری تهران (۱) ۶۹

نمونه فرم برگ اخطاریه اجرای احکام شهرداری ۷۰
نمونه برگ اخطار ابلاغ رأی بدوی کمیسیون ماده صد شهرداری ۷۱
فک پلمپ / محکومیت به پرداخت جزای نقدی / غیابی ۷۲
نمونه اخطاریه به مالک جهت اجرای حکم کمیسیون‌های ماده صد شهرداری ۷۳

فصل اول- بخش اول / د- ترتیب عملی / اخطار / ابلاغ صدور و تجدیدنظرخواهی از آراء کمیسیون ماده صد شهرداری در دیــوان عدالت اداری ۷۴
برگ اخطار نهایی شهرداری به متخلف ۷۵
رأی کمیسیون بدوی ماده صد شهرداری ۷۶
رأی کمیسیون تجدیدنظر ماده صد شهرداری ۷۷
برگ ابلاغ رأی کمیسیون تجدیدنظر ماده صد شهرداری ۷۸
برگ ابلاغ ۷۹
دادخواست / علیه شهرداری / بخواسته نقض ۸۰
رأی کمیسیون ماده صد شهرداری / بدواً صدور دستور موقت مبنی بر توقف عملیات اجرایی ۸۰
برگ رسید دادخواست دیوان ۸۱
رأی دیوان / نقض رأی کمیسیون تجدیدنظر / ارجاع به کمیسیون هم عرض ۸۲

فصل اول ـ بخش دوم- نمونه رأی کمیسیون تبصره ۲ بند ۳ ماده ۹۹ قانون شهرداریها ۸۳
رأی کمیسیون تبصره ۲ بند ۳ ماده ۹۹ قانون شهرداریها ۸۴
نمونه برگ ابلاغ رأی کمیسیون تبصره ۲ بند ۳ ماده ۹۹ قانون شهرداریها ۸۵

فصل اول ـ بخش سوم- نظریات مشورتی اداره کل حقوقی دادگستری «شهرداریها» ۸۶
نمونه رأی دادگاه عمومی بصورت توأمان در امر کیفری و حقوقی ۹۳
«محکومیت شهردار و عوامل شهرداری به اتهام تخریب سنگهای ساختمانی» ۹۳
«محکومیت شهردار و عوامل شهرداری به پرداخت خسارات ناشی از تخریب» ۹۳

فصل دوم ـ بخش اول/ الف- آیین‌نامه رسیدگی هیأت تشخیص و حل اختلاف موضوع ماده ۱۶۴ قانون کار مصوب ۹۵.۱۳۸۰/۱۰/۳۰
آیین نامه رسیدگی و چگونگی تشکیل جلسات هیأت‌های ۹۶
تشخیص و حل اختلاف موضوع ماده ۱۶۴ قانون کار مصوب ۱۳۸۰/۱۰/۳۰ شماره ۱۲۶۸۰ ـ ۱۳۸۱/۲/۲۵ ..... ۹۶

فصل دوم ـ بخش اول/ ب- نمونه دادخواست و شرایط تنظیم و تقدیم آن به هیئت تشخیص اداره کار و امور اجتماعی ۱۰۳
نمونه برگ دادخواست اداره کار و امور اجتماعی ۱۰۴
شرایط دادخواست ۱۰۶

فصل دوم ـ بخش دوم / الف- وزارت کار و امور اجتماعی هیئت تشخیص ۱۱۰
نمونه فرم خام برگ رأی و تصمیم هیئت تشخیص اداره کار ۱۱۱
نمونه فرم خام صورتجلسه هیأت حل اختلاف اداره کار ۱۱۲
آئین‌نامه مربوط به انتخاب اعضاء ۱۱۳
هیأت‌های حل اختلاف مصوب ۱۳۸۳/۹/۲۸ و... ..... ۱۱۳
آیین‌نامه چگونگی تشکیل جلسات و نحوه رسیدگی هیأت حل اختلاف مصوب ۱۳۶۹/۱۲/۱۲ شورای عالی کار ۱۱۵
آیین‌نامه چگونگی تشکیل جلسات و نحوه رسیدگی هیأت تشخیص ۱۱۶
آیین‌نامه اجرای آرای قطعی هیات های تشخیص و حل اختلاف موضوع ماده ۱۶۶ قانون کار مصوب ۱۳۷۰/۳/۱۲ هیأت وزیران شماره ۱۴۰۰ / ت ۹۹ ه ـ ۱۳۷۰/۳/۲۵ ..... ۱۱۸
فصل دوم ـ بخش دوم / ب- نحوه شروع رسیدگی و تصمیم‌گیری در هیئت تشخیص اداره کار ۱۱۹
شروع به رسیدگی ۱۲۰

فصل دوم ـ بخش سوم- آراء هیئت تشخیص اداره کار و امور اجتماعی ۱۴۴
رأی هیأت تشخیص وزارت کار ۱۴۵
صورتجلسه هیأت تشخیص اداره کار جنوب تهران ۱۴۶
نمونه دادنامه صادره از هیئت تشخیص اداره کار ۱۴۷

فصل دوم ـ بخش چهارم- مرجع رسیدگی به اعتراض کارفرما / کارگر نسبت به آراء هیئت تشخیص (هیئت حل اختلاف اداره کار) ۱۴۸
نمونه رأی هیأت حل اختلاف اداره کار استان خوزستان رد اعتراض کارگر «تأیید رأی هیئت تشخیص» ۱۴۹
نمونه رأی هیأت حل اختلاف شهرستان امیدیه استان خوزستان رد اعتراض کارفرما «تأیید رأی هیئت تشخیص» ۱۵۰
رأی هیأت حل اختلاف اداره کار تهران ۱۵۱
برگ ابلاغ و اجرای رأی هیأت حل اختلاف اداره کار ۱۵۲
رأی هیئت حل اختلاف اداره کار ۱۵۳
دادنامه هیأت حل اختلاف اداره کار شهرستان کرج ۱۵۴
رأی هیأت حل اختلاف اداره کار تهران ۱۵۵
تصمیم و رأی هیئت حل اختلاف وزارت کار ۱۵۶
رأی هیأت حل اختلاف شرق تهران ۱۵۷
رأی هیأت حل اختلاف اداره کار جنوب تهران / ری ۱۵۸
حکم هیأت هیئت حل اختلاف استان کردستان ۱۵۹
رأی هیأت حل اختلاف اداره کار استان تهران ۱۶۰
نمونه رأی هیئت حل اختلاف اداره کار ۱۶۱
نمونه برگ ابلاغ دادنامه سازمان کار و امور اجتماعی استان تهران اداره کار شهرستان تهران ۱۶۲
نمونه برگ اجرائیه اداره کار و خدمات اشتغال شمال شرق تهران) ۱۶۳
رأی هیأت تشخیص / محکومیت کارفرما ۱۶۴
قرار رد دعوی هیأت تشخیص به لحاظ اعتبار امر مختومه ۱۶۵
رأی دیوان / نقض رأی هیأت تشخیص ارجاع پرونده به مرجع هم‌عرض ۱۶۶
مراجع حل اختلاف ۱۶۷
نظریات مشورتی ۱۶۹
«کار و تأمین اجتماعی» ۱۶۹

فصل دوم ـ بخش پنجم / الف - ۱ـ آراء هیئت تشخیص ۲ـ آراء هیئت حل اختلاف (مرجع تجدیدنظر) «مرتبط» ۱۷۳
رأی هیئت تشخیص اداره کار استان گلستان ۱۷۴
دادنامه هیأت حل اختلاف اداره کار استان گلستان «اصلاح و تأیید دادنامه هیأت تشخیص» ۱۷۵
نمونه رأی هیأت تشخیص اداره کار شرق تهران ۱۷۶
نمونه رأی هیأت حل اختلاف اداره کار شرق تهران «اصلاح و تأیید رأی هیأت تشخیص» ۱۷۷
نمونه گزارش بازرس اداره کار ۱۷۸
نمونه فرم صورتجلسه هیأت حل اختلاف اداره کار ۱۷۹

فصل دوم ـ بخش پنجم / ب- نمونه انواع فرمهای اداری وزارت کار تأمین اجتماعی / بهداشت و درمان / و..... ۱۸۰
نمونه فرم کمیته بررسی کارهای سخت و زیان‌آور سازمان تأمین اجتماعی ۱۸۱
نمونه فرم تقاضای بررسی و احراز مشاغل سخت و زیان‌آور سازمان تأمین اجتماعی ۱۸۲
نمونه فرم صورتجلسه کمیته تشخیص و تطبیق مشاغل سخت و زیان‌آور اداره کار ۱۸۳
نمونه فرم تعیین میزان از کارافتادگی و نقص عضو ۱۸۴
نمونه قرارداد کار / کارگران روزمزد ۱۸۵
نمونه معرفی نامه جهت دریافت بیمه بیکاری ۱۸۶
نمونه رای هیئت حل اختلاف وزارت کار و امور اجتماعی قبل از انقلاب ۱۸۷

فصل دوم ـ بخش ششم- نظریات مشورتی اداره حقوقی دادگستری ۱۸۸
دانستنی‌های حقوقی در یک جمله ۱۹۳
قانون استفساریه اصلاحیه تبصره (۲) الحاقی به ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۵/۱/۲۰ ..... ۱۹۴

قانون دیوان عدالت اداری ۱۹۶
فصل سوم ـ بخش اول- مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۲ مجلس شورای اسلامی و ۱۳۸۲/۳/۲۵ مجلس تشخیص مصلحت نظام با اصلاحات و الحاقات تا ۱۴۰۲/۲/۱۰ ..... ۱۹۶
نمونه رأی دیوان / قرار رد شکایت ۲۲۱
دادخواست صحیح با رعایت قانون جدید دیوان عدالت اداری ۲۲۲
صفحه مخصوص ادامه دادخواست (دیوان عدالت اداری) ۲۲۳
دادخواست صحیح / احراز وقوع تخلف بر مبنای قانون مصوب ۱۴۰۲ ..... ۲۲۴
نمونه دیگر رأی شعب بدوی دیوان ۲۲۵

فصل سوم ـ بخش دوم- آشنایی بیشتر با نهادهای شبه قضایی ۲۲۶
الف) معرفی کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری و تبصره‌های اصلاحی آن ۲۲۷
ب) کمیسیون تبصره ۲ بند ۳ ماده ۹۹ مستقر در شهرداری ۲۲۹
ج) کمیسیون ماده ۷۷ مستقر در شهرداری ۲۲۹
د) آشنایی با کمیسیون ماده ۵۶ ..... ۲۳۰
قانون جنگل‌ها و مراتع ۲۳۰
نمونه رأی ۲۳۱
س) هیأت حل اختلاف موضوع ماده ۳ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶ با اصلاحات بعدی ۲۳۱
ش) کمیسیون ماده واحده قانون حفظ اعتبار اسناد سجلّی و جلوگیری از تزلزل آنها (مصوب ۱۳۶۷/۱۱/۲) ۲۳۲
ص) هیأت حل اختلاف ماده ۵ قانون ثبت اسناد و املاک ۲۳۲
ض) هیأت نظارت موضوع ماده (۶) قانون ثبت ۲۳۴
ط) هیأت تشخیص موضوع ماده ۱۴۵ قانون ثبت ۲۳۶
ظ) هیأت‌های حل اختلاف مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون ثبت ۲۳۸
برگ درخواست رسیدگی به وضعیت مالکیت، موضوع قانون «اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ و اصلاحات بعدی آن» مصوب مرداد ماه ۱۳۶۵ ..... ۲۴۱
ک) آشنایی با کمیسیون‌های پزشکی تأمین اجتماعی ۲۴۷
گ) هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر تشخیص مطالبات تأمین اجتماعی ۲۵۰

راهنمای جامع آیین نگارش دیوانی ۲۵۱
فصل سوم ـ بخش سوم- «انواع دادخواست» دیوان عدالت اداری ۲۵۱
نمونه برگ دادخواست به دیوان عدالت اداری (شماره یک) ۲۵۲
دادخواست علیه کمیسیون هم‌عرض ماده صد شهرداری به خواسته صدور دستور موقت و نقض رأی ۲۵۴
دادخواست علیه کمیسیون هم‌عرض ماده صد شهرداری به خواسته صدور دستور موقت ۲۵۵
نمونه دادخواست / اعتراض به عوارض تعیین شده از سوی شهرداری ۲۵۶
دادخواست / اعتراض به رأی کمیسیون تجدید نظر ماده صد شهرداری بدواً صدور دستور موقت به منظور توقیف عملیات اجرایی ۲۵۷

فصل سوم ـ بخش چهارم- ادامه دادخواست علیه: کمیسیون ماده صد شهرداری ۲۵۸
دادخواست علیه کمیسیون ماده صد شهرداری به خواسته: نقض رأی کمیسیون بدواً صدور دستور موقت ۲۵۹
دادخواست علیه شهرداری به خواسته: ابطال اقدامات بدواً صدور دستور موقت ۲۶۰
دادخواست علیه کمیسیون ماده صد شهرداری به خواسته: نقض رأی کمیسیون بدواً صدور دستور موقت به منظور توقف عملیات اجرایی ۲۶۱
نمونه رأی دیوان / حکم به ورود شکایت / ارجاع موضوع به کمیسیون هم‌عرض ۲۶۲
دادخواست علیه کمیسیون ماده صد شهرداری به خواسته: نقض رأی کمیسیون / بدواً صدور دستور موقت ۲۶۳

دادخواست علیه شهرداری (کمیسیون ماده صد) به خواسته: نقض رأی / بدواً صدور دستور موقت ۲۶۴
دادخواست علیه کمیسیون ماده صد شهرداری به خواسته: نقض رأی / بدواً صدور دستور موقت ۲۶۵
دادخواست علیه شهرداری به خواسته: اعتراض به آراء کمیسیونهای بدوی و تجدیدنظر ماده صد بدواً صدور دستور موقت ۲۶۶
دادخواست علیه کمیسیون ماده صد شهرداری به خواسته: نقض رأی / بدواً صدور دستور موقت ۲۶۷
دادخواست علیه کمیسیون تجدیدنظر ماده صد شهرداری به خواسته: نقض رأی بدوی و اصلاحیه‌های بعدی آن بدواً صدور دستور موقت ۲۶۸
دادخواست علیه کمیسیون ماده صد شهرداری به خواسته: نقض رأی / بدواً صدور دستور موقت ۲۶۹
دادخواست علیه کمیسیون ماده صد شهرداری به خواسته: نقض رأی / بدواً صدور دستور موقت ۲۷۰
دادخواست علیه کمیسیون ماده صد شهرداری به خواسته: نقض رأی / بدواً صدور دستور موقت ۲۷۱
نمونه رأی دیوان عدالت اداری / تصدیق ورود خسارت ۲۷۲
دادخواست علیه شهرداری به خواسته: صدور دستور موقت و سپس احراز وقوع تخلف ۲۷۳
دادخواست علیه ماده صد شهرداری به خواسته: نقض قسمتی از رأی کمیسیون بدوا صدور دستور موقت ۲۷۴
دادخواست علیه کمیسیون ماده صد شهرداری به خواسته: صدور دستور موقت (بدون وکیل) ۲۷۵
دادخواست علیه کمیسیون ماده صد شهرداری به خواسته: نقض رأی / بدواً صدور دستور موقت ۲۷۶
دادخواست علیه کمیسیون تجدیدنظرماده صد شهرداری به خواسته: نقض رأی کمیسیون تجدیدنظر و توقف عملیات اجرایی (بدون وکیل) ۲۷۷
دادخواست علیه کمیسیون ماده صد شهرداری به خواسته: نقض رأی / بدواً صدور دستور موقت (بدون وکیل) ۲۷۸
دادخواست علیه کمیسیون ماده صد شهرداری به خواسته: نقض رأی کمیسیون / بدواً صدور دستور موقت ۲۷۹
دادخواست علیه کمیسیون‌های ماده صد شهرداری (بدون وکیل) ۲۸۰
دادخواست علیه کمیسیون‌های ماده صد شهرداری ۲۸۱
دادخواست علیه کمیسیون ماده صد شهرداری از طرف مستأجر بخواسته / توقف عملیات اجرایی شهرداری و سپس نقض آن (بدون وکیل) ۲۸۲
دادخواست علیه کمیسیون تجدیدنظر ماده صد شهرداری (بدون وکیل) ۲۸۳
دادخواست علیه کمیسیون‌های ماده صد شهرداری بخواسته صدور دستور موقت و سپس نقض رأی ۲۸۴
الزام شهرداری به صدور پروانه ساختمانی ۲۸۵

فصل سوم ـ بخش پنجم- دادخواست علیه سازمان تأمین اجتماعی ۲۸۶
دادخواست علیه سازمان تأمین اجتماعی به خواسته: الزام به دایر نمودن حقوق بازنشستگی ۲۸۷
برطبق سوابق کاری و سابقه بیمه به‌دلیل سخت و زیان‌آور بودن شغل (بدون وکیل) ۲۸۷
دادخواست علیه تأمین اجتماعی به خواسته: ۲۸۸
ابطال بدهی تعیین شده بدواً صدور دستور موقت ۲۸۸
دادخواست علیه تأمین اجتماعی به خواسته: تقاضای ۲۸۹
بازنشستگی براساس مشاغل سخت و زیان‌آور (بدون وکیل) ۲۸۹
دادخواست علیه سازمان تأمین اجتماعی ۲۹۰
به خواسته: الزام به پذیرش و محاسبه ۳۰ سال سابقه بیمه و ۲۹۰
دادخواست علیه کمیسیون پزشکی سازمان تأمین اجتماعی بخواسته: مطالبه مستمری از کار افتادگی (بدون وکیل) ۲۹۱

فصل سوم ـ بخش ششم- دادخواست علیه کمیسیون تبصره ۲ بند ۳ ماده ۹۹ قانون شهرداری ۲۹۲
ماده ۹۹ قانون شهرداریها مصوب ۱۳۳۴/۴/۱۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی ۲۹۳
قانون تفسیر بند ۳ ماده واحده قانون الحاق یک بند و ۳ تبصره به عنوان بند ۳ به ماده ۹۹ قانون شهرداری‌ها مصوب ۱۳۷۳/۷/۱۰ ..... ۲۹۴
دادخواست علیه کمیسیون تبصره ۲ بند ۳ ماده ۹۹ قانون شهرداری به خواسته: نقض رأی کمیسیون / بدواً صدور دستور موقت (نمونه شماره یک) ۲۹۵
دادخواست علیه کمیسیون تبصره ۲ بند ۳ ماده ۹۹ قانون شهرداری به خواسته: نقض رأی / بدواً صدور دستور موقت (نمونه شماره دو).. ۲۹۶
دادخواست علیه کمیسیون تبصره ۲ بند ۳ ماده ۹۹ قانون شهرداری به خواسته: نقض رأی / بدواً صدور دستور موقت (نمونه شماره سه). ۲۹۷
دادخواست علیه کمیسیون تبصره ۲ بند ۳ ماده ۹۹ قانون شهرداری به خواسته: نقض رأی / بدواً صدور دستور موقت (نمونه شماره چهارم) ۲۹۸
دادخواست علیه کمیسیون تبصره ۲ بند ۳ ماده ۹۹ قانون شهرداری به خواسته: نقض رأی کمیسیون / بدواً صدور دستور موقت ۲۹۹

دادخواست علیه کمیسیون تبصره ۲ بند ۳ ماده ۹۹ قانون شهرداری به خواسته: نقض رأی / بدواً صدور دستور موقت ۳۰۰
دادخواست علیه کمیسیون تبصره ۲ بند ۳ ماده ۹۹ قانون شهرداری به خواسته: نقض رأی / بدواً صدور دستور موقت ۳۰۱

فصل سوم ـ بخش هفتم- دادخواست / علیه / هیأت حل اختلاف اداره کار و امور اجتماعی به خواسته: نقض رأی هیأت و صدور دستور موقت ۳۰۲
دادخواست / علیه / هیأت حل اختلاف اداره کار بخواسته: نقض رأی بدواً صدور دستور موقت (بدون وکیل) ۳۰۳
دادخواست / علیه / هیأت حل اختلاف اداره کار (بدون وکیل) ۳۰۴
دادخواست / علیه / هیأت حل اختلاف اداره کار (بدون وکیل) ۳۰۵
دادخواست / علیه / هیأت حل اختلاف اداره کار (بدون وکیل) ۳۰۶
دادخواست / علیه / هیأت حل اختلاف اداره کار (بدون وکیل) ۳۰۷
دادخواست / علیه / اداره کار و امور اجتماعی بخواسته: رسیدگی به جهت کم بودن حق و حقوق و... (بدون وکیل) ۳۰۸
دادخواست علیه هیئت حل اختلاف اداره کار (بدون وکیل) ۳۰۹
دادخواست علیه هیئت حل اختلاف اداره کار (بدون وکیل) ۳۱۰
دادخواست علیه هیئت حل اختلاف اداره کار (بدون وکیل) ۳۱۱
دادخواست علیه هیئت حل اختلاف اداره کار (بدون وکیل) ۳۱۲
دادخواست علیه اداره کار و امور اجتماعی بخواسته: دستور موقت و نقض رأی هیأت تشخیص (بدون وکیل) ۳۱۳

فصل سوم ـ بخش هشتم- انواع مختلف دادخواست ۳۱۴
دادخواست / علیه / سازمان بازنشستگی کشوری (بدون وکیل) ۳۱۵
دادخواست / علیه کمیسیون بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداریها (بدون وکیل) ۳۱۶
دادخواست علیه بانک کشاورزی بخواسته: ابطال نامه در خصوص مطالبه دیرکرد پرداخت وام.... (بدون وکیل) ۳۱۷
دادخواست / علیه / اداره کل ثبت اسناد و املاک (هیأت نظارت) (بدون وکیل) ۳۱۸
دادخواست / علیه / کمیته تشخیص و تطبیق کارهای سخت و زیان‌آور بخواسته: اعتراض به نظریه کمیته..... (بدون وکیل) ۳۱۹

فصل سوم ـ بخش نهم- دادخواست علیه: ارگانها ـ نهادها و ۳۲۰
دادخواست علیه هیأت حل اختلاف اداره کار بخواسته: نقض رأی هیأت / بدواً صدور دستور موقت ۳۲۱
دادخواست علیه سازمان تعزیرات حکومتی بخواسته: نقض رأی بدواً صدور دستور موقت ۳۲۲
دادخواست علیه اداره کل امور آب استان .... بخواسته: ابطال تصمیم / بدواً صدور دستور موقت ۳۲۳
دادخواست علیه هیأت مرکز گزینش بخواسته: اعتراض به نظریه گزینش و تقاضای نقض آن / بدواً صدور دستور موقت ۳۲۴
دادخواست علیه کمیسیون ماده ۷۷ شهرداری بخواسته: نقض رأی کمیسیون / بدواً صدور دستور موقت ۳۲۵
دادخواست علیه گمرک ایران (کمیسیون رسیدگی به اختلافات گمرکی) بخواسته: نقض رأی اکثریت اعضای کمیسیون / بدواً صدور دستور موقت ۳۲۶
دادخواست علیه نیروی انتظامی بخواسته: ابطال بازخریدی و عودت به خدمت (بدون وکیل) ۳۲۷
دادخواست علیه هیئت مرکزی گزینش آموزش و پرورش بخواسته: نقض رأی و اعاده به خدمت ۳۲۸
دادخواست علیه کمیسیون بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداریها بخواسته: نقض رأی کمیسیون / بدواً صدور دستور موقت (آژانس اتومبیل کرایه) ۳۲۹
دادخواست علیه هیئت هم‌عرض انضباطی سازمان تاکسیرانی بخواسته: بدواً صدور دستور موقت و سپس نقض رأی هیئت ۳۳۰
دادخواست علیه شورای تأمین شهرستان تایباد بخواسته: اعتراض به عملکرد و رأی شورا و نقض رأی بدواً صدور دستور موقت ۳۳۱
دادخواست / علیه نیروی انتظامی / کمیسیون ماده ۹۹ / ۱۰۰ ناجا بخواسته: اعتراض به بازخریدی و اعاده به خدمت بدواً صدور دستور موقت ۳۳۲
دادخواست علیه نیروی دریایی بخواسته: ابطال (تصمیم) حکم بازخریدی و اعاده به خدمت / بدواً صدور دستور موقت ۳۳۳
دادخواست علیه بانک..... بخواسته: اعتراض به عملکرد / بدواً صدور دستور موقت ۳۳۴

فصل سوم ـ بخش دهم- دادخواست / نحوه اعاده دادرسی در دیوان ۳۳۵
دادخواست علیه کمیسیون ماده صد بخواسته: اعاده دادرسی بر اساس مدارک جدید (بند «ج» ماده ۹۸) ۳۳۶
دادخواست علیه کمیسیون ماده صد شهرداری بخواسته: اعاده دادرسی ۳۳۷

دادخواست علیه سازمان تأمین اجتماعی بخواسته: اعاده دادرسی ۳۳۸

فصل سوم ـ بخش یازدهم- دادخواست / تجدیدنظرخواهی در دیوان عدالت اداری ۳۳۹
نمونه دادخواست علیه کمیسیون ماده صد شهرداری بخواسته: تجدیدنظر از رأی موضوع دادنامه ۳۴۰
دادخواست علیه شهرداری بخواسته: تجدیدنظر از رأی موضوع دادنامه ۳۴۱
دادخواست علیه کمیته فنی تشخیص و تطبیق مشاغل سخت و زیان‌آور بخواسته: تجدیدنظرخواهی از رأی موضوع دادنامه ۳۴۲
نمونه دادخواست تجدیدنظرخواهی از دیوان بخواسته: تجدیدنظر در رأی موضوع دادنامه (بدون وکیل) ۳۴۳

باب هشتم: راهنمای جامع آیین نگارش احکام دیوان عدالت اداری ۳۴۴
فصل چهارم ـ بخش اول- آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ۳۴۴
نمونه رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ۳۴۵
نمونه رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ۳۴۷
نمونه رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ۳۴۹
نمونه رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ۳۵۰
رأی وحدت رویه / ابطال آیین نامه الزامی شدن انتخاب ۳۵۴
وکیل در دعوی حقوقی / دیوان عالی کشور ۳۵۴
نمونه رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ۳۵۸

باب هشتم: فصل چهارم ـ بخش دوم- احکام دیوان عدالت اداری ۳۶۱
طرح دعوی توسط وکیل بدون تحدید اختیارات وکالت در دیوان / قرار رد شکایت / دعوی اوّل ۳۶۲

فصل چهارم ـ بخش سوم- نمونه دستور موقت دیوان علیه کمیسیون ماده صد شهرداری ۳۶۳
نمونه دستور موقت دیوان / علیه کمیسیون ماده صد شهرداری ۳۶۴
نمونه دستور موقت / علیه کمیسیون ماده صد شهرداری ۳۶۵
نمونه قرار دیوان / علیه کمیسیون ماده صد شهرداری / قرار ابطال دادخواست ۳۶۶
نمونه دستور موقت دیوان / علیه شهرداری ۳۶۷
نمونه تصمیم دیوان در صدور دستور موقت علیه کمیسیون تجدیدنظر ماده صد شهرداری ۳۶۸

فصل چهارم ـ بخش چهارم- نمونه قرار دستور موقت دیوان علیه کمیسیون تجدیدنظر ماده صد شهرداری ۳۶۹
نمونه قرار دیوان / علیه شهرداری / بخواسته: صدور دستور موقت ۳۷۰
ناشی از اجرای رأی کمیسیون تجدیدنظر ماده صد قانون شهرداریها ۳۷۰
نمونه قرار دیوان / علیه کمیسیون ماده صد شهرداری / بخواسته / صدور دستور موقت ۳۷۱

فصل چهارم ـ بخش پنجم- احکام دیوان در نقض آراء کمیسیون ماده صد شهرداری ۳۷۲
نمونه رأی شعب دیوان علیه کمیسیون ماده صد شهرداری بخواسته: نقض رأی ۳۷۳
نمونه رأی دیوان / علیه شهرداری / بخواسته: نقض رأی ۳۷۴
نمونه رأی دیوان / علیه کمیسیون ماده صد شهرداری بخواسته: نقض رأی کمیسیون ۳۷۵
نمونه رأی دیوان / علیه شهرداری / بخواسته: نقض رأی کمیسیون ماده صد شهرداری ۳۷۶
نمونه رأی دیوان علیه کمیسیون ماده صد شهرداری بخواسته: نقض رأی کمیسیون ۳۷۷
نمونه رأی دیوان علیه کمیسیون ماده صد شهرداری ۳۷۸
بخواسته: اعتراض به رأی کمیسیون ۳۷۸

فصل چهارم ـ بخش ششم- احکام دیوان ـ علیه آراء کمیسیون تجدیدنظر ماده صد شهرداری ۳۷۹
نمونه رأی دیوان علیه / کمیسیون تجدیدنظر ماده صد شهرداری بخواسته: اعتراض به رأی کمیسیون ۳۸۰
نمونه رأی دیوان / علیه کمیسیون تجدیدنظر ماده صد شهرداری بخواسته: نقض رأی کمیسیون ۳۸۱

نمونه رأی دیوان / علیه کمیسیون تجدیدنظر ماده صد شهرداری بخواسته: ابطال رأی ۳۸۲
نمونه رأی دیوان علیه شهرداری بخواسته: اعتراض به رأی کمیسیون تجدیدنظر ماده صد شهرداری ۳۸۳

فصل چهارم ـ بخش هفتم - آراء مرتبط دیوان علیه: کمیسیون ماده صد شهرداری ۳۸۴
نمونه رأی دیوان / رد شکایت علیه شهرداری ۳۸۵
نمونه رأی دیوان علیه کمیسیون تجدیدنظر ماده صد شهرداری بخواسته: نقض رأی ۳۸۶
نمونه رأی دیوان / علیه شهرداری بخواسته: دستور توقف عملیات اجرایی و ابطال اقدامات ۳۸۷
رأی شعب تجدیدنظر سابق دیوان / نقض رأی موضوع دادنامه تجدیدنظرخواسته قرار عدم صلاحیت ۳۸۸
نمونه قرار دیوان در صدور دستور موقت علیه شهرداری ۳۸۹
نمونه رأی دیوان / علیه شهرداری بخواسته اعتراض به رأی نمونه رأی اصلاحی دیوان ۳۹۱
نمونه رأی دیوان در خصوص اعاده دادرسی ۳۹۲
دستور موقت دیوان در توقف عملیات اجرایی علیه شهرداری ۳۹۳
رأی دیوان علیه کمیسیون ماده صد شهرداری بخواسته: نقض رأی کمیسیون / رد شکایت ۳۹۴

فصل چهارم ـ بخش هشتم- آراء مرتبط دیوان علیه: کمیسیون تجدیدنظر ماده صد شهرداری ۳۹۵
رأی دیوان / علیه شهرداری / بخواسته: اعتراض به آراء کمیسیون‌های بدوی و تجدیدنظر ماده صد شهرداری دائر بر قلع و قمع مستحدثات ۳۹۶
رأی شعب تجدیدنظر دیوان علیه کمیسیون ماده صد شهرداری بخواسته: اعتراض به دادنامه / فسخ دادنامه / رد شکایت ۳۹۷
رأی دیوان / علیه / کمیسیون ماده صد شهرداری بخواسته: اعتراض به رأی کمیسیون ۳۹۸
رأی شعب سابق تجدیدنظر دیوان علیه کمیسیون ماده صد شهرداری بخواسته: اعتراض به رأی موضوع دادنامه / تأیید دادنامه ۳۹۹
رأی اصلاحی دیوان / توسط مرجع تجدیدنظر دیوان ۴۰۰
نمونه دستور موقت علیه شهرداری ۴۰۱
نمونه رأی دیوان علیه کمیسیون ماده صد شهرداری (کمیسیون تجدیدنظر) بخواسته: نقض رأی حکم به ورود شکایت / نقض رأی / ارجاع به کمیسیون هم‌عرض ۴۰۲
نمونه قرار دیوان / علیه شهرداری بخواسته: اعتراض به رأی کمیسیون هم‌عرض / نقض رأی / ارجاع به دیگر کمیسیون هم‌عرض ۴۰۳
نمونه رأی دیوان علیه شهرداری (کمیسیون ماده صد شهرداری) و صدور دستور موقت و توقیف عملیات اجرایی ۴۰۴
رأی دیوان / علیه کمیسیون ماده صد شهرداری بخواسته: نقض رأی کمیسیون تجدیدنظر ماده صد شهرداری ۴۰۵
نمونه رأی دیوان علیه شهرداری بخواسته: صدور دستور موقت مبنی بر توقف عملیات اجرایی رأی کمیسیون هم‌عرض تجدیدنظر ماده صد ۴۰۶
نمونه رأی دیوان علیه شهرداری بخواسته: اعتراض به رأی کمیسیون تجدیدنظر ماده صد شهرداری / حکم به ورود شکایت / نقض رأی و... ..... ۴۰۷

فصل چهارم ـ بخش نهم ۱ـ کمیسیون ماده صد شهرداری ۲ـ کمیسیون تجدیدنظر ماده صد شهرداری ۴۰۸
رأی دیوان / علیه کمیسیون ماده صد شهرداری بخواسته: اعتراض به رأی کمیسیون / حکم به ورود شکایت / نقض رأی / و... ..... ۴۰۹
رأی دیوان / علیه کمیسیون ماده صد شهرداری بخواسته: اعتراض به رأی کمیسیون ۴۱۰
رأی دیوان / علیه کمیسیون تجدیدنظر ماده صد شهرداری بخواسته: نقض رأی کمیسیون ۴۱۱

فصل چهارم ـ بخش دهم- آراء دیوان علیه: سازمان تأمین اجتماعی بخواسته: بازنشستگی قبل از موعد بدلیل اشتغال به مشاغل سخت و زیان‌آور ۴۱۳
نمونه رأی دیوان / سازمان تأمین اجتماعی ۴۱۴
رأی دیوان علیه سازمان تأمین اجتماعی بخواسته: بازنشستگی بدلیل اشتغال به کارهای سخت و زیان‌آور ۴۱۵
رأی شعب دیوان علیه سازمان تأمین اجتماعی بخواسته: تقاضای بازنشستگی براساس مشاغل سخت و زیان‌آور ۴۱۶
رأی دیوان علیه سازمان تأمین اجتماعی بخواسته: بازنشستگی جهت اشتغال / حکم به ورود شکایت / اعمال مقررات بازنشستگی ۴۱۷
نمونه رأی دیوان علیه سازمان تأمین اجتماعی بخواسته: الزام به بازنشستگی قبل از موعد بلحاظ اشتغال در کار سخت و زیان‌آور و برقراری مستمری ۴۱۸
رأی دیوان / علیه سازمان تأمین اجتماعی بخواسته: بازنشستگی بجهت اشتغال به کار سخت و زیان‌آور ۴۱۹

فصل چهارم ـ بخش یازدهم- آراء ـ دیوان علیه: کمیته فنی تشخیص و تطبیق مشاغل سخت و زیان‌آور اداره کار و امور اجتماعی ۴۲۰
نمونه رأی دیوان / علیه اداره کار بخواسته: نقض نظریه کمیته تشخیص و تطبیق مشاغل سخت و زیان‌آور ۴۲۱
نمونه رأی دیوان / علیه کمیته فنی تشخیص و تطبیق مشاغل سخت و زیان‌آور بخواسته: نقض رأی کمیته فنی و الزام به تطبیق شغل با مشاغل مشابه ۴۲۳
نمونه رأی دیوان / علیه اداره کار و امور اجتماعی بخواسته: نقض نظریه کمیته تشخیص مشاغل سخت و زیان‌آور ۴۲۴
نمونه رأی دیوان علیه کمیته فنی تشخیص مشاغل سخت و زیان‌آور بخواسته: نقض نظریه و تطبیق مشاغل / حکم به رود ۴۲۵
نمونه رأی / دیوان علیه کمیته فنی تشخیص و تطبیق مشاغل سخت و زیان‌آور و الزام کمیته به تطبیق شغل شاکی با مشاغل مشابه ۴۲۶
نمونه رأی دیوان علیه کمیته فنی تشخیص و تطبیق مشاغل سخت و زیان‌آور بخواسته: نقض رأی و تطبیق شغل با مشاغل مشابه ۴۲۷
نمونه رأی دیوان علیه کمیته فنی تشخیص و تطبیق مشاغل سخت و زیان‌آور بخواسته: نقض رأی و الزام به تطبیق شغل شاکی با مشاغل مشابه ۴۲۸
نمونه رأی دیوان علیه کمیته فنی تشخیص و تطبیق مشاغل سخت و زیان‌آور اداره کار و امور اجتماعی بخواسته: ابطال رأی ۴۲۹

فصل چهارم ـ بخش دوازدهم- (آراء دیوان) کمیسیون تبصره ۲ بند ۳ ماده ۹۹ قانون شهرداریها ۴۳۰
نمونه رأی دیوان علیه فرمانداری بخواسته: اعتراض به رأی کمیسیون تبصره ۲ بند ۳ ماده ۹۹ قانون شهرداریها ۴۳۱
نمونه قرار دیوان / علیه کمیسیون تبصره ۲ بند ۳ ماده ۹۹ شهرداریها بخواسته: صدور دستور موقت مبنی بر توقیف عملیات اجرایی ۴۳۲
نمونه قرار دیوان / علیه کمیسیون تبصره ۲ بند ۳ ماده ۹۹ شهرداریها بخواسته: نقض رأی کمیسیون ۴۳۳
نمونه قرار دیوان / علیه کمیسیون تبصره ۲ بند ۳ ماده ۹۹ شهرداریها بخواسته: صدور دستور موقت ناشی از اجرای رأی کمیسیون ۴۳۴

فصل چهارم ـ بخش سیزدهم- آراء دیوان علیه: کمیسیون تبصره ۲ بند ۳ ماده ۹۹ قانون شهرداریها ۴۳۵
نمونه رأی دیوان علیه کمیسیون تبصره ۲ بند ۳ ماده ۹۹ شهرداریها بخواسته: نقض رأی / استرداد دادخواست ۴۳۶
نمونه دستور موقت علیه کمیسیون تبصره ۲ بند ۳ ماده ۹۹ شهرداریها قانون شهرداری ۴۳۷
نمونه رأی شعب دیوان علیه کمیسیون تبصره ۲ بند ۳ ماده ۹۹ شهرداریها بخواسته: نقض رأی کمیسیون / (وکالت در دیوان) ۴۳۸
نمونه رأی دیوان علیه کمیسیون تبصره ۲ بند ۳ ماده ۹۹ شهرداریها بخواسته: نقض رأی کمیسیون ۴۳۹
قرار دیوان و صدور قرار رد درخواست دستور موقت ۴۴۰
رأی دیوان علیه شهرداری بخواسته: اعطاء معوض یا بهاء عادلانه بابت تملک پلاک ثبتی ۴۴۱

فصل چهارم ـ بخش چهاردهم- آراء مرتبط دیوان علیه: کمیسیون رسیدگی به اختلافات گمرکی ۴۴۲
قرار دیوان در رد درخواست صدور دستور موقت نظریه اکثریت شعبه / رد درخواست ۴۴۳
قرار دیوان / علیه کمیسیون رسیدگی به اختلافات گمرکی بخواسته: صدور دستور موقت مبنی بر توقیف عملیات اجرایی نظریه اقلیت شعبه / صدور دستور موقت ۴۴۴
نمونه قرار دیوان / علیه کمیسیون تجدیدنظر رسیدگی به اختلافات گمرکی بخواسته: نقض رأی کمیسیون ۴۴۵

فصل چهارم ـ بخش پانزدهم- آراء مرتبط دیوان علیه: هیأت‌های رسیدگی به تخلفات صنفی ۴۴۶
نمونه رأی دیوان علیه شرکت ملی صنایع مس سرچشمه بخواسته: اعتراض به رأی هیئت تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات ۴۴۷
نمونه قرار رد درخواست دستور موقت دیوان علیه هیأتهای رسیدگی به تخلفات صنفی ۴۴۸
نمونه برگ ابلاغ رأی دیوان عدالت اداری توسط هیأت‌های رسیدگی به تخلفات صنفی ۴۴۹

فصل چهارم ـ بخش شانزدهم- آراء دیوان علیه: نیروی دریایی ـ ناجا ۴۵۰
رأی دیوان / علیه کمیسیون ۱۲۱ و ۱۲۱ ق ناجا /بخواسته: اعتراض به رأی معافیت و تقاضای اعاده به خدمت با احتساب برقراری حق و حقوق معوقه ۴۵۱
رأی شعبه تجدیدنظر سابق دیوان / فسخ دادنامه / رد شکایت ۴۵۲
نمونه رأی دیوان علیه نیروی دریایی بخواسته: اعتراض به رأی هیئت رسیدگی به تخلفات کمیسیون ماده ۱۰۴ نداجا و تقاضای نقض آن ۴۵۳
رأی شعبه تجدیدنظر دیوان / علیه نیروی دریایی ارتش بخواسته: اعتراض به دادنامه ۴۵۴

نمونه رأی دیوان / علیه نیروی دریایی بخواسته: ابطال بازخریدی و اعاده به خدمت ۴۵۵
نمونه رأی دیوان / علیه کمیسیون انضباطی ناجا بخواسته: اعتراض به معافیت از خدمت و تقاضای اعاده به خدمت ۴۵۶
نمونه رأی دیوان / علیه ناجا بخواسته: احتساب سنوات و اعلام بازنشستگی ۴۵۷
نمونه رأی دیوان / علیه ناجا بخواسته: اعتراض به بازخریدی / رد شکایت به اعتبار امر مختوم ۴۵۸
رأی دیوان علیه نیروی انتظامی بخواسته: اعتراض به تصمیم کمیسیون ماده ۱۲۲ قانون استخدام ناجا مبنی بر معافیت از خدمت و تقاضای اعاده به خدمت ۴۵۹

فصل چهارم ـ بخش هفدهم / الف- آراء دیوان علیه: شورای تأمین تایباد ۴۶۰
رأی دادگاه حقوقی شهرستان / اثبات نسب ۴۶۱
رأی دیوان / علیه / شورای تأمین تایباد بخواسته: اعتراض به نظریه شورا ۴۶۳
نمونه رأی دیوان / علیه شورای تأمین بخواسته: ابطال رأی شورای تأمین و تصدیق ایرانی بودن شاکی ۴۶۴
نمونه رأی شعب دیوان علیه شورای تأمین بخواسته: اعتراض به عملکرد و تقاضای صدور حکم به ابطال رأی شورای تأمین ۴۶۵

فصل چهارم ـ بخش هفدهم / ب- قانون معافیت از حق بیمه علیه سازمان تأمین اجتماعی ۴۶۶
آیین‌نامه قانون معافیت از پرداخت حق بیمه سهم کارفرمای کارگاه‌ها به میزان پنج نفر ۴۶۷
فهرست فعالیت‌های تولیدی ـ صنعتی و فنی مشمول معافیت حق بیمه سهم کارفرما تا میزان پنج نفر کارگر مصوب ۱۳۶۹/۲/۲ هیأت وزیران ۴۶۸
رأی دیوان عدالت اداری / فسخ دادنامه سابق‌الصدور ـ قبول اعاده دادرسی ـ ابطال صورت‌حساب بدهی ۴۶۹
برگ ابلاغ معافیت حق بیمه سهم کارفرما کارگاه‌های زینتی در موارد مشابه به کل کشور ۴۷۰
دادخواست علیه سازمان تأمین اجتماعی به خواسته الزام به رعایت آیین‌نامه قانونی معافیت حق بیمه سهم کارفرما ۴۷۱
رأی دیوان / رد شکایت مطروحه ۴۷۲

فصل چهارم ـ بخش هیجدهم- آراء دیوان علیه: هیأت مرکزی گزینش ۴۷۳
نمونه رأی دیوان / علیه هیئت مرکزی گزینش دانشگاه علوم پزشکی بخواسته: اعتراض به رأی گزینش و تقاضای نقض آن ۴۷۴
نمونه رأی شعب تشخیص دیوان علیه هیأت مرکزی گزینش: بخواسته: اعمال ماده ۱۶ قانون دیوان عدالت ۴۷۵
نمونه رأی دیوان علیه هیأت مرکزی گزینش آموزش و پرورش بخواسته: ابطال نظریه ۴۷۶
نمونه قرار رد دستور موقت علیه دانشگاه علوم پزشکی ۴۷۷

فصل چهارم ـ بخش نوزدهم- آراء دیوان علیه: جهاد کشاورزی از سال ۱۳۸۳ الی ۱۳۸۶ ..... ۴۷۸
نمونه رأی دیوان علیه سازمان جهادکشاورزی بخواسته: الزام به اعاده به کار ۴۷۹
نمونه رأی دیوان علیه سازمان جهادکشاورزی بخواسته: احتساب سابقه و پرداخت حق بیمه ۴۸۰
نمونه رأی شعب تجدیدنظر دیوان علیه جهادکشاورزی ۴۸۱
نمونه رأی شعب تجدیدنظر دیوان علیه سازمان جهادکشاورزی بخواسته: تجدیدنظرخواهی از دادنامه ۴۸۲
نمونه رأی دیوان علیه سازمان جهادکشاورزی بخواسته: بازگشت به‌سازمان و تغییر وضعیت اشتغال از قراردادی به‌رسمی ۴۸۳
نمونه رأی شعب تجدیدنظر دیوان ۴۸۴

فصل چهارم ـ بخش بیستم- آراء دیوان علیه: شرکت آب و فاضلاب ۴۸۵
نمونه رأی دیوان / علیه شرکت آب و فاضلاب بخواسته: لحاظ نمودن فوق‌العاده جذب در پاداش سنوات خدمت و احتساب (ذخیره مرخصی) ۴۸۶
نمونه رأی دیوان / علیه شرکت آب و فاضلاب بخواسته: لحاظ پاداش پایان خدمت براساس کسورات انجام شده ۴۸۷
نمونه قرار عدم صلاحیت دیوان / علیه / شرکت آب و فاضلاب منطقه‌ای اصفهان بخواسته: ابطال نامه بدواً صدور دستور موقت ۴۸۸
نمونه رأی دیوان علیه شرکت آب و فاضلاب بخواسته: الزام به پرداخت پاداش پایان خدمت با احتساب فوق‌العاده اضافه کاری ۴۸۹
فصل چهارم ـ بخش بیست و یکم- آراء مختلف دیوان علیه / نهادها / ارگانها / سازمانها از سال ۱۳۷۵ الی ۱۳۸۷ ..... ۴۹۰
قرار دستور موقت دیوان ۴۹۱
نمونه رأی دیوان علیه اداره کار بخواسته: اعتراض به رأی هیأت حل اختلاف ۴۹۲

نمونه رأی دیوان: بخواسته: اعتراض به رأی هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری بانک کشاورزی سال ۱۳۷۵ ..... ۴۹۳
رأی دیوان / علیه / اداره امور آزادگان / جانبازان / شهدا و ایثارگران اراک بخواسته: اعاده به خدمت و مطالبات حقوق شرعی و قانونی ۴۹۴
رأی شعبه تجدیدنظر دیوان / علیه / بنیاد شهید و امور ایثارگران بخواسته: اعتراض به دادنامه / اصلاح مبانی و سپس رد اعتراض ۴۹۵
نمونه قرار عدم استماع دعوی دیوان / علیه آموزش و پرورش بخواسته: اعتراض به حکم ۴۹۶
رأی شعب تجدیدنظر دیوان ۴۹۷
نمونه قرار دیوان / علیه / شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی بخواسته: صدور دستور موقت نسبت به اختصاص آرد به کارخانه جدیدالاحداث ۴۹۸
نمونه رأی دیوان/ علیه/ شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی/ بخواسته: ابطال‌اقدام اداره خوانده در خصوص کسر سهمیه شرکت‌های خواهان و اختصاص آن به غیر ۴۹۹
نمونه رأی دیوان / علیه هیئت انضباطی سازمان تاکسیرانی بخواسته: نقض رأی هیأت ۵۰۰
نمونه قرار دیوان / علیه شهرداری بخواسته: اعتراض به رأی کمیسیون بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری ۵۰۱
نمونه رأی دیوان / علیه / کمیسیون ماده ۷۷ شهرداریها نمونه رأی دیوان / علیه وزارت اطلاعات بخواسته: نقض حکم بازخریدی و درخواست اعاده به خدمت ۵۰۳
نمونه قرار دیوان / رد دستور موقت علیه هیأت حل اختلاف اداره کار ۵۰۴
نمونه قرار رد دعوی دیوان عدالت ۵۰۵
نمونه قرار دیوان / در رد درخواست بلحاظ امر مختومه ۵۰۶

فصل چهارم ـ بخش بیست و دوم- احکام دیوان عدالت علیه: آموزش و پرورش ۵۰۷
نمونه رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری "تعیین مدت خدمت آموزش" ۵۰۸
ممانعت از اعطای مرخصی استحقاقی و عدم ذخیره سازی سالیانه اعطاء نشده ۵۱۲
الزام به تبدیل وضعیت استخدامی از حق‌التدریس به پیمانی ۵۱۳
الزام به استخدام ۵۱۴

فصل چهارم ـ بخش بیست و سوم- ابطال دادخواست در دیوان عدالت اداری ۵۱۵
نمونه قرار (ابطال دادخواست) دیوان ۵۱۶
نمونه قرار ابطال دادخواست دیوان ۵۱۷

فصل چهارم ـ بخش بیست و چهارم- آراء شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری از سال ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۶ ..... ۵۱۸
نمونه رأی شعبه تجدیدنظر دیوان / فسخ دادنامه / رد شکایت ۵۱۹
نمونه رأی شعب تجدیدنظر دیوان / تأیید دادنامه بدوی ۵۲۰
نمونه رأی شعب تجدیدنظر دیوان / تأیید دادنامه بدوی ۵۲۱
نمونه رأی شعبه تجدیدنظر دیوان / تأیید دادنامه معترض علیه ۵۲۲
نمونه رأی شعب تجدیدنظر دیوان / نقض دادنامه بدوی / حکم به ورود شکایت / نقض رأی کمیسیون ماده ۹۹ قانون شهرداری ارجاع به کمیسیون هم‌عرض ۵۲۳
نمونه رأی شعب تجدیدنظر دیوان / نقض دادنامه بدوی / حکم به ورود شکایت / نقض رأی کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری ارجاع و احاله به کمیسیون هم‌عرض ۵۲۴
آراء شعب تجدیدنظر دیوان / نقض دادنامه معترض علیه / و... ..... ۵۲۵
نمونه رأی شعب تجدیدنظر دیوان/ رد تجدیدنظر خواهی بعلت عدم قابلیت طرح موضوع در دیوان ۵۲۶
نمونه رأی شعب تجدیدنظر دیوان / تأیید دادنامه تجدیدنظر خواسته ۵۲۷
نمونه رأی شعب تجدیدنظر دیوان / بدون شرح... ..... ۵۲۸

فصل پنجم (ضمائم) ۵۲۹
فصل پنجم ـ بخش اول- نمونه رسیدگی و صدور رأی در هیأت رسیدگی به تخلفات اداری ۱ـ «اختلاس کارمند بانک» ۲ـ «اتهام رشوه به کارمند دارایی» ۵۲۹
نمونه رأی هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری / اختلاس از بانک ۵۳۰
برگ ابلاغ رأی هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری ۵۳۲

نمونه رأی بدوی هیأت عالی انتظامی مالیاتی ۵۳۳
نظریات مشورتی «اختلاس / ارتشاء» ۵۳۵
نظریات مشورتی امور استخدامی ۵۴۱

فصل پنجم ـ بخش دوم - یادآوری دروس حقوق اداری (جزوه استاد) ۵۵۱
«حقوق اداری» ۵۵۲

فصل پنجم ـ بخش سوم- گزیده‌ای از آراء هیئت عمومی دیوان عدالت اداری ۵۷۳
آراء هیأت عمومی ۵۷۴
دیوان عدالت اداری ۵۷۴

فصل ششم- نکات کلیدی ۵۸۹

فصل هفتم- دیوان عدالت اداری ۶۱۳
الف- انواع دادخواست دیوان عدالت اداری ۵۹۹
مطالبه حقوق دوران عدم اشتغال و حقوق و متعلقات قانونی ارتقاء یک رتبه دانشگاهی ۶۰۰
استرداد کسورات حق بیمه جانبازی ۶۰۱
منع از کسر حق بیمه و استرداد حق بیمه‌های کسر شده جانباز ۶۰۲
ابطال اقدامات تملکی ۶۰۳
نقض رأی کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری‌ها ۶۰۴
استرداد کسورات بیمه ایثارگران ۶۰۵
الزام به تمدید مرخصی زایمان ۶۰۶
الزام به تأمین هزینه‌های درمانی و استرداد کسر حق بیمه جانبازان ۶۰۷
ابطال تصمیم تغییر پست و الزام به اعطای پست هم طراز ۶۰۸
ابطال رأی هیئت رسیدگی به تخلفات اداری ۶۰۹
اعتراض به تغییر غیر قانونی سمت شغلی و محل خدمت ۶۱۰
و جبران خسارت مالی ناشی از تغییر سمت شغلی ۶۱۰
تبدیل وضعیت از پیمانی به رسمی ۶۱۱
ابطال تصمیم شهرداری و اعاده حقوق تضییع شده ۶۱۲
ابطال تصمیم به تغییر محل خدمت جغرافیائی ۶۱۳
تقاضای نقض رأی کمیسیون ماده صد قانون شهرداری‌ها مدارس غیر دولتی ۶۱۴
الزام به افزایش ضریب حقوق ۶۱۵
ابطال رأی دادگاه انتظامی سردفتران ۶۱۶
تقاضای الغاء و ابطال انفصال ۶ ماهه موضوع ابلاغیه شماره... رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۶۱۷
صدور دستور موقت بر توقیف و سپس ابطال عملیات اجرایی و ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر ۶۱۸
نقض رأی کمیسیون ماده صد قانون شهرداری / تخریب ۶۱۹
ابطال نامه در مورد عدم تعلق سود سهام ترجیحی کارمندان دولت ۶۲۰
رفع ممنوع الخروجی ۶۲۱
ابطال رأی کمیسیون انظباطی ۶۲۲
الزام شهرداری به رعایت قانون و صدور پروانه ساختمانی واقع شده در طرح ۶۲۳
الزام به تمدید پروانه نشر ۶۲۴
نقض رأی هیأت حل اختلاف امور مالیاتی ۶۲۵
نقض رأی کمیسیون ماده صد قانون شهرداری ها ۶۲۶
نقض آرای کمیسیون‌های بدوی و تجدید نظر ماده صد قانون شهرداریها ۶۲۷
نقض رأی کمیسیون موضوع ماده ۱۲۲ قانون استخدام ناجا ۶۲۸
احتکار به قصد گران فروشی/ دستور موقت ۶۲۹

نقض آراء کمیسیون‌های ماده صد قانون شهرداری ها ۶۳۰
الزام به ترفیع درجه ۶۳۱
نمونه دادخواست / ماده ۱۱۳ قانون استخدامی سپاه ۶۳۲
اعتراض به رأی هیئت رسیدگی به تخلفات اداری ۶۳۳
اعتراض به محرومیت از پست‌های حساس مدیریتی ۶۳۴
الزام شهرداری به صدور پروانه ساختمانی ۶۳۶
اعتراض به تنزل مقام ۶۳۷
ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر/ عزل شهردار ۶۳۸
الزام به پرداخت حق بیمه و احتساب سابقه دوره دستیاری ۶۳۹
الزام به برقراری حقوق وظیفه و مستمری فرزندان و نوادگان اناث متوفی ۶۴۰
نقض رأی کمیسیون ماده صد قانون شهرداریها ۶۴۱
ابطال عوارض تعیین شده از طرف شورای شهر بعد از صدور حکم در کمیسیون ماده ۱۰۰ ..... ۶۴۲
نقض رأی هیأت موضوع ماده ۳۳ بدواً صدور و اجرای فوری دستورموقت ۶۴۳
الزام شهرداری به صدور پروانه ساختمانی بدون دریافت رایگان زمین ۶۴۴
الزام به صدور پروانه تجمیعی ۶۴۵
الزام شهرداری به تمدید پروانه ساختمانی ۶۴۶
اعتراض به رأی قطعی کمیسیون ماده صد قانون شهرداریها و تقاضای نقض آن بدواً دستور موقت مبنی بر توقف عملیات اجرائی ۶۴۷
نقض رأی کمیسیون بدوی و تجدید نظر ماده صد قانون شهرداری‌ها متضمن تخریب ۶۴۸
نقض رأی هیأت ماده ۳۳ قانون تعزیرات حکومتی ۶۴۹
نقض رأی سازمان تعزیرات حکومتی، گران فروشی ۶۵۰
اعاده دادرسی / الزام به صدور ابلاغ سر دفتری ۶۵۱
الزام به پذیرش استعفاء پرسنل پیمانی ۶۵۲
الزام سازمان تأمین اجتماعی به برقراری مستمری ۶۵۳
نقض رأی کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداریها (عوارض تابلو) ۶۵۴
نقض رأی کمیسیون ماده ۵۵ بند ۲۰ قانون شهرداریها ۶۵۵
دادخواست علیه کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها در تعیین جریمه به نرخ روز ۶۵۶
تغییر کاربری مسکونی به اداری / تجاری ۶۵۷
الزام به برقراری یارانه نقدی ۶۵۸
اعتراض به رأی کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها (تعیین جریمه) ۶۵۹
تغییر کاربری مسکونی به اداری / تجاری ۶۶۱
نقض رأی هیأت حل اختلاف مالیاتی ۶۶۲
تقاضای نقض تصمیم شورای انظباطی دانشگاه ۶۶۳
نقض احکام کمیسیون ماده صد ۶۶۴
اعتراض به نتیجه مصاحبه آزمون استخدامی و الزام طرف شکایت ۶۶۵
به بررسی مجدد موضوع با قید ملاحظات ۶۶۵
ابطال رأی هیأت حل اختلاف اداره کار ۶۶۶

ب: لوایح جلسه اول رسیدگی- دیوان عدالت اداری ۶۶۷

ج: لوایح حقوقی تجدید نظر خواهی دیوان عدالت اداری ۶۸۲

د: لوایح تبادل دیوان عدالت اداری ۷۰۹

مقدمه باب هشتم مجموعه ۵ جلدی راهنمای نگارش:

نگارش در مقوله‌های وابسته به حقوق، آیین ویژه خود را دارد، می‌توان گفت آن چه به عنوان سبک در ادبیات نامبردار شده است اگرچه هر کدام از آن سبکها برای خودطرفدارانی یافته است در نگارش مباحث حقوقی کارایی چندانی ندارد و این بدان روی است که حقوق سبکی را برمی‌تابد که در اندازه‌های دیگر سبکها تعریف شدنی نیست.

در قلمرو ادبیات اگر فنون و بدایع ویژه‌ای وجود دارد که کلام را بدان می‌آرایند به خاطر این است که در حوزه ادبیات ضرورت دارد که ادیب گاه بزرگ‌نمایی کند، و گاه به توصیف و تعریف روی بیاورد و گاه به تحقیر و هیچ‌انگاری دست یازد. اصلاً مدح و قدح زبان خود را می‌طلبد. بیان عشق و عاطفه و دلدادگی، بیان حماسه و رجز و داستان‌سرایی نیز طرز دیگری از زبان را به همراه خود می‌آورد چندان که شاعر و ادیب و نویسنده در جهت نزدیک شدن به مقصود و مطلوب خود ناگزیر است که از استعاره و کنایه و ترصیح و جناس و تشبیه و مجاز بهره گیرد، این همه در کاری که شاعر و نویسنده در پیش دارد البته که مقبول و مستحسن و زیباست تا آنجا که گفته می‌شود **احسن این هنرها اکذب آنهاست**.

امّا در حقوق، هم در بحث فراگیری و فرادهی و هم در بخش انشای رأی و صدور دستور، با بیان نوعی از حقیقت قابل دفاع سر و کار داریم که هیچ آرایش اضافه‌ای را برنمی‌تابد. قاضی دادگستری و عالم حقوق در همین حال ناگزیر است که از برخی اصطلاحات و قواعد ویژه در نوشته‌های خود سود ببرد، لیکن باید به گونه‌ای زیبا خود را در روی آوردن به این اصطلاحات برآورد که دچار افراط و تفریط نشود. **در نوشته‌های حقوقی جایی برای فضل فروشی و حکیم نمایی و فیلسوف پنداری وجود ندارد.** باید به صورتی بنویسیم که مخاطبِ سخن، آن را به خوبی دریابد. قاضی هیچ‌گاه نمی‌خواهد امر ناشایسته‌ای را شایسته جلوه بدهد و نیز هرگز نمی‌خواهد رابطه مقبول و شایسته‌ای را به مدد واژه و تعبیر و توجیه، مطرود و مردود جلوه دهد. او می‌باید همان را که هست بنمایاند. قانونگذار حتّا عبارات را خود برای فعلها و ترک فعلها برگزیده است پس مجالی به وجود نمی‌آید که قاضی از طریق به کار گرفتن قدرت خلاّقه ادبی سخن خویش را بر تخت بنشاند، در رأی خود از مفردات شعری و از کلمات قصار حِکمی و از امثال سایر و از قول بزرگان مثال و نمونه ارائه دهند. با این مقدمه، ما می‌مانیم و واژه‌هایی متعارف و مأنوس و شناخته شده، ما می‌مانیم و زبانی پالوده و شسته ـ رفته که باید در گزینش آنها سختگیر هم باشیم یعنی از هر واژه‌ای که بهره می‌بریم آن واژه باید در جای خود نه زاید باشد نه کاستی واژه دیگری را تداعی کند. اگر قاضی مثلاً در ضمن معاینه محل چیزی را توصیف می‌کند این توصیف باید برابر باشد با نمایش عینی آن. مثال می‌زنیم اگر در حد فاصل بین دو ملک مجاور دیواری وجود دارد و ما لازم است که آن را تشریح کنیم بسیار طبیعی است که حق نداریم در معرفی آن از برداشتهای عاطفی و شخصی و احیاناً شاعرانه استفاده کنیم و مثلاً دیوار را «**بارویی سایه افکنده بر سر دشت**» توصیف کنیم یا آن را «**فکسنی و وارفته و همبرگشته با خاک**» جلوه دهیم این را برای نمایاندن درجه دخالت در نمادهای عینی آوردم اگر نه قضات محترم بر زوایای امر وقوف دارند که در نگارش رأی، هم باید بالهایِ بلند پروازی خیال را قیچی کنند و هم باید با قلم‌اندازی ولنگارانه خداحافظی کنند.

قلم قاضی باید بیشترین شباهت و نسبت را بلاتشبیه با قلم آفرینش داشته باشد. همان که:

پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت.

اجرکم عنداللّه

و من ا... توفیق

نگارنده ـ جعفر اخترنیا

باب هفتم

راهنمای جامع آیین نگارش دیوان عدالت اداری

فصل اول

بخش اول / الف

موادی از قانون شهرداری

نظریه مشورتی شماره ۷/۵۵۶۳ مورخ ۱۳۸۲/۷/۶

طبق تبصره ۸ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، تنظیم سند رسمی انتقال ملک، در مورد ساختمانهای نیمه تمام مستلزم ارائه گواهی عدم خلاف و اگر بنای ساختمان به پایان رسیده باشد، مستلزم ارائه گواهی پایان ساختمان به دفترخانه تنظیم‌کننده سند رسمی است. احکام قطعی و لازم‌الاجرای دادگاهها، مادام که به طرق قانونی نقض یا فسخ نشده، به تقاضای «**محکوم‌له**» باید اجرا شود مع الـذلک دستور اجرای حکم باید مطابق قانون باشد بنابراین قاضی نمی‌تواند به دفترخانه دستور دهد تا بدون اخذ گواهی پایان کار ساختمان یا گواهی عدم خلاف و اخذ گواهی لازم نسبت به تنظیم سند رسمی انتقال ملک اقدام کند لکن چنانچه محکوم علیه از رفع خلاف و اخذ گواهی مربوطه لازم استنکاف ورزد و رفع خلاف مستلزم پرداخت هزینه‌ای باشد که «**محکوم‌له**» آن را بتواند بپردازد تا امکان اجرای حکم فراهم شود **(بند ۲ ماده ۱۵۸ قانون اجرای احکام مدنی)** محکوم‌له می‌تواند زیر نظر اجرای احکام، نسبت به پرداخت هزینه و رفع خلاف و اخذ گواهی ـ حسب مورد ـ عدم خلاف یا گواهی پایان کار ساختمان برای ارائه به دفترخانه اسناد رسمی اقدام کند و هزینه‌ای را که از این بابت پرداخته از طریق اجرا از محکوم علیه وصول نماید.

«موادی از قانون شهرداری»

درباره کمیسیون‌های رسیدگی به تخلفات ساختمانی[1] مصوب ۱۳۳٤/٤/۱۱

ماده ۹٦ (مصوب ۱۳٤٥/۱۱/۲۷) ـ شهرداری می‌تواند برای تأمین احتیاجات شهری از قبیل باغهای عمومی، ایجاد تأسیسات برق و آب و نظایر آن‌که به منظور اصلاحات شهری و رفع نیازمندی‌های عمومی لازم باشد و باید تمام یا قسمتی از اراضی یا املاک یا ابنیه واقع در محدوده شهر بتصرف شهرداری درآید از مقررات قانون توسعه معابر مصوب سال ۱۳۲۰ استفاده نماید.

تبصره ۱. هرگاه قسمتی از تأمین نیازمندیهای شهری طبق قانون به‌عهده سازمان و مؤسسات دولتی گذاشته شده باشد سازمان‌ها و مؤسسات مزبور برای انجام وظایف محوله با تصویب انجمن شهر بوسیله شهرداری از مقررات این ماده استفاده خواهندنمود.

تبصره ۲.[2] سازمان‌ها و مؤسسات دولتی که اراضی و املاک و ابنیه‌ای داشته باشند که مشمول حکم این ماده باشد مکلفند در صورت تصویب شورای شهر در تأیید استاندار، آن اراضی و ابنیه را بلاعوض در اختیار شهرداری قرار دهند.

تبصره ۳. در موارد فوق پس از انجام تشریفات مقرر در این قانون و رعایت تبصره ۲ ماده ٤ قانون توسعه معابر مصوب ۱۳۲۰ خودداری مالک از انجام معامله مانع اجرای نقشه شهرداری نخواهدبود و شهرداری مجاز است اراضی یا املاک را به منظور عملیات عمرانی بتصرف خود درآورد.

تبصره ٤.[3]

تبصره ٥. در صورتیکه در مسیر احداث یا توسعه خیابان و گذر و باغ عمومی و میدان ملکی باشد که مالک یا مالکین آن مشخص نباشد و یا به ثبت نرسیده باشد اقدامات و عملیات شهرداری متوقف نخواهدشد و شهرداری باید قبل از هر اقدام مشخصات کامل ملک مزبور را با حضور نمایندگان دادستان و ثبت و انجمن شهر صورت مجلس نماید، صورتمجلس مزبور مبنای اجرای پرداخت غرامت طبق مقررات خواهدبود و در موردی که مالک یا مالکین ملک مشخص باشد امتناع آنان از انتخاب و معرفی کارشناس خود یا کارشناس مشترک مانع از اجرای نقشه مصوب شهرداری نخواهد بود.

نسبت به املاکی که به ثبت نرسیده باشد و طبق مفاد این قانون به تصرف شهرداری درآید صورتمجلس تنظیم می‌گردد و در صورت مجلس مزبور آثار تصرف و حدود و مساحت و مشخصات کامل قید می‌گردد.

مدعی مالکیت می‌تواند با ارائه صورت مجلس مذکور در این قانون نسبت به تقاضای ثبت ملک خود اقدام و پس از احراز مالکیت بهای تعیین شده را دریافت نماید.

تبصره ٦. اراضی کوچه‌های عمومی و میدانها و پیاده‌روها و خیابانها و بطور کلی معابر و بستر رودخانه‌ها و نهرها و مجاری فاضلاب شهرها و باغهای عمومی و گورستانهای عمومی و درختهای معابر عمومی واقع در محدوده هر شهر که مورد استفاده عموم است ملک عمومی محسوب و در مالکیت شهرداری است.

ایجاد تأسیسات آبیاری از طرف وزارت آب و برق در بستر رودخانه‌ها واقع در محدوده شهرها بلامانع است شهرداریها نیز مکلفند برای اجرای هر گونه عملیات عمرانی در بستر. رودخانه‌ها قبلاً نظر وزارت آب و برق را جلب نمایند.

---

[1] - **روزنامه رسمی شماره ۳۰۷۱ ـ مورخ ۱۳۳۴/۶/۲.**

[2] - **اصلاحی مصوب ۱۳۵۸/۹/۲۱.**

[3] - **تبصره ۴ به موجب قانون نوسازی و عمران شهرداری نسخ شده است.**

مواد ۹۷ و ۹۸.[۱]

ماده ۹۹. شهرداریها مکلفند در مورد حریم شهر اقدامات زیر را بنمایند:

۱ـ تعیین حدود حریم و تهیه نقشه جامع شهرسازی با توجه به توسعه احتمالی شهر.

۲ـ تهیه مقرراتی برای کلیه اقدامات عمرانی از قبیل قطعه‌بندی و تفکیک اراضی، خیابان‌کشی، ایجاد باغ و ساختمان، ایجاد کارگاه و کارخانه و همچنین تهیه مقررات مربوط به حفظ بهداشت عمومی مخصوص به حریم شهر با توجه به نقشه عمرانی شهر.

حریم و نقشه جامع شهرسازی و مقررات مذکور پس از تصویب انجمن شهر و تأیید وزارت کشور برای اطلاع عموم آگهی و بموقع اجراء گذاشته خواهد شد.

تبصره ۱. تغییر حدود فعلی شهرها از لحاظ اجرای مقررات قانون اصلاحات ارضی تأثیری نخواهد داشت.

تبصره ۲. عوارضی که از عقد قراردادها عاید می‌گردد بایستی تماما به شهرداری‌های محل اجرای قرارداد پرداخت گردد.

تبصره ۳.[۲]

ماده ۱۰۰. مالکین اراضی و املاک واقع در محدوده شهر یا حریم آن باید قبل از هر اقدام عمرانی یا تفکیک اراضی و شروع ساختمان از شهرداری پروانه اخذ نمایند.

شهرداری می‌تواند از عملیات ساختمانی ساختمان‌های بدون پروانه یا مخالف مفاد پروانه به وسیله مأمورین خود اعم از آنکه ساختمان در زمین محصور یا غیر محصور واقع باشد جلوگیری نماید.

تبصره ۱. در موارد مذکور فوق که از لحاظ اصول شهرسازی یا فنی یا بهداشتی، قلع تأسیسات و بناهای خلاف مشخصات مندرج در پروانه ضرورت داشته باشد یا بدون پروانه شهرداری ساختمان احداث یا شروع به احداث شده باشد به تقاضای شهرداری موضوع در کمیسیون‌هائی مرکب از نماینده وزارت کشور به انتخاب وزیر کشور و یکی از قضات دادگستری به انتخاب وزیر دادگستری و یکی از اعضای انجمن شهر به انتخاب انجمن مطرح می‌شود. کمیسیون پس از وصول پرونده به ذینفع اعلام می‌نماید که ظرف ده روز توضیحات خود را کتباً ارسال دارد، پس از انقضاء مدت مذکور کمیسیون مکلف است موضوع را با حضور نماینده شهرداری که بدون حق رأی برای ادای توضیح شرکت می‌کند ظرف مدت یک ماه تصمیم مقتضی برحسب مورد اتخاذ کند در مواردی که شهرداری از ادامه ساختمان بدون پروانه یا مخالف مفاد پروانه جلوگیری می‌کند مکلف است حداکثر ظرف یک هفته از تاریخ جلوگیری موضوع را در کمیسیون مذکور مطرح نماید در غیر این صورت کمیسیون به تقاضای ذینفع به موضوع رسیدگی خواهد کرد.

در صورتی که تصمیم کمیسیون بر قلع تمام یا قسمتی از بنا باشد مهلت مناسبی که نباید از دو ماه تجاوز کند تعیین می‌نماید.

شهرداری مکلف است تصمیم مزبور را بمالک ابلاغ کند. هرگاه مالک در مهلت مقرر اقدام به قلع بنا ننماید شهرداری رأساً اقدام کرده و هزینه آن را طبق مقررات آیین‌نامه اجرای وصول عوارض از مالک دریافت خواهد نمود.[۳]

تبصره ۲.[۴]

---

[۱]- مواد ۹۸ و ۹۷ به موجب قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی نسخ شده‌اند. ولی قانون ناسخ، متعرض تبصره ذیل ماده ۹۸ نشده، لذا به لحاظ تردید در نسخ یا بقاء تبصره مذکور، متن آن عیناً جهت سهولت در رجوع بازنویسی و اضافه می‌نماید بنظر نگارنده شایسته است قانونگذار به هنگام نسخ صریح ماده یا موادی از قانون سابق، در مورد تبصره یا تبصره‌های ذیل ماده منسوخ نیز تصریح و تعیین تکلیف نماید تا جای ابهام و تردید باقی نماند. به هر حال مفاد تبصره ذیل ماده ۹۸ منسوخ بدین شرح می‌باشد:

تبصره: تا زمانی که نقشه جامع شهرها تهیه و به تصویب شورای عالی شهرسازی نرسیده باشد نقشه‌های عمرانی و شهرسازی باید به تصویب وزارت کشور برسد.

[۲]- تبصره ۳ به موجب قانون نوسازی و عمران شهری نسخ شده است.

[۳]- اصلاحی مصوب ۱۳۵۲/۵/۱۷.

[۴]- تبصره‌های ۲ تا ۸ به موجب ماده واحده لایحه قانونی اصلاح تبصره‌های ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، مصوب ۱۳۵۸/۶/۲۷ شورای انقلاب مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۰۰۸۸ ـ ۱۳۵۸/۷/۱۹ به شرح فعلی اصلاح شده‌اند.

در مورد اضافه بنا زائد بر مساحت زیربنای مندرج در پروانه ساختمانی واقع در حوزه استفاده از اراضی مسکونی کمیسیون می‌تواند در صورت عدم ضرورت قلع اضافه بنا با توجه به موقعیت ملک از نظر مکانی **(در بر خیابانهای اصلی یا خیابانهای فرعی و یا کوچه بن باز یا بن‌بست)** رأی به اخذ جریمه‌ای که متناسب با نوع استفاده از فضای ایجاد شده و نوع ساختمان از نظر مصالح مصرفی باشد تعیین و شهرداری مکلف است بر اساس آن نسبت به وصول جریمه اقدام نماید. (جریمه نباید از حداقل یک دوم کمتر و از سه برابر ارزش معاملاتی ساختمان برای هر مترمربع بنای اضافی بیشتر باشد) در صورتی که ذینفع از پرداخت جریمه خودداری نمود شهرداری مکلف است مجددا پرونده را به همان کمیسیون ارجاع و تقاضای صدور رأی تخریب را بنماید. کمیسیون در این مورد نسبت بصدور رأی تخریب اقدام خواهد نمود.

تبصره ۳. در مورد اضافه بنا زائد بر مساحت مندرج در پروانه ساختمانی واقع در حوزه استفاده از اراضی تجارتی و صنعتی و اداری کمیسیون می‌تواند در صورت عدم ضرورت قلع اضافه بنا با توجه به موقعیت ملک از نظر مکانی (در بر خیابانهای اصلی یا خیابانهای فرعی و یا کوچه بن‌باز یا بن‌بست) رأی به اخذ جریمه‌ای که متناسب با نوع استفاده از فضای ایجاد شده و نوع ساختمان از نظر مصالح مصرفی باشد، تعیین و شهرداری مکلف است بر اساس آن نسبت به وصول جریمه اقدام نماید **(جریمه نباید از حداقل ۲ برابر کمتر و از ٤ برابر ارزش معاملاتی ساختمان برای هر مترمربع بنای اضافی ایجاد شده بیشتر باشد)** در صورتی که ذینفع از پرداخت جریمه خودداری نمود شهرداری مکلف است مجدداً پرونده را به همان کمیسیون ارجاع و تقاضای صدور رأی تخریب را بنماید. کمیسیون در این مورد نسبت به صدور رأی تخریب اقدام خواهد نمود.

تبصره ٤. در مورد احداث بنای بدون پروانه در حوزه استفاده از اراضی مربوطه در صورتیکه اصول فنی و بهداشتی و شهرسازی رعایت شده باشد کمیسیون می‌تواند با صدور رأی بر اخذ جریمه بازاء هر مترمربع بنای بدون مجوز یک دهم ارزش معاملاتی ساختمان یا یک پنجم ارزش سرقفلی ساختمان، در صورتی که ساختمان ارزش دریافت سرقفلی داشته باشد، هر کدام که مبلغ آن بیشتر است از ذینفع، بلامانع بودن صدور برگ پایان ساختمان را به شهرداری اعلام نماید.

اضافه بنا زائد بر تراکم مجاز بر اساس مفاد تبصره‌های ۲ و ۳ عمل خواهد شد.

تبصره ۵. در مورد عدم احداث پارکینگ و یا غیرقابل استفاده بودن آن و عدم امکان اصلاح آن کمیسیون می‌تواند با توجه به موقعیت محلی و نوع استفاه از فضای پارکینگ رأی باخذ جریمه‌ای که حداقل یک برابر و حداکثر دو برابر ارزش معاملاتی ساختمان برای هر مترمربع فضای از بین رفته پارکینگ باشد صادر نماید **(مساحت هر پارکینگ با احتساب گردش ۲۵ مترمربع می‌باشد)** شهرداری مکلف به اخذ جریمه تعیین شده و صدور برگ پایان ساختمان می‌باشد.

تبصره ٦. در مورد تجاوز به معابر شهر، مالکین موظف هستند در هنگام نوسازی بر اساس پروانه ساختمان و طرح‌های مصوب رعایت برهای اصلاحی را بنمایند. در صورتی که برخلاف پروانه و یا بدون پروانه تجاوزی در این مورد انجام گیرد شهرداری مکلف است از ادامه عملیات جلوگیری و پرونده امر را به کمیسیون ارسال نماید. در سایر موارد تخلف مانند عدم استحکام بنا، عدم رعایت اصول فنی و بهداشتی و شهرسازی در ساختمان رسیدگی به موضوع در صلاحیت کمیسیون‌های ماده ۱۰۰ است.

تبصره ۷. مهندسان ناظر ساختمانی مکلفند نسبت به عملیات اجرائی ساختمانی که به مسئولیت آنها احداث می‌گردد از لحاظ انطباق ساختمان با مشخصات مندرج در پروانه و نقشه‌ها و محاسبات فنی ضمیمه آن مستمرا نظارت کرده و در پایان کار مطابقت ساختمان با پروانه و نقشه و محاسبات فنی را گواهی نمایند. هرگاه مهندس ناظر برخلاف واقع گواهی نماید و یا تخلف را بموقع به شهرداری اعلام نکند و موضوع منتهی به طرح در کمیسیون مندرج در تبصره ۱ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و صدور رأی بر جریمه یا تخریب ساختمان گردد شهرداری مکلف است مراتب را به نظام معماری و ساختمانی منعکس نماید. شورای انتظامی نظام مذکور موظف است مهندس ناظر را در صورت ثبوت تقصیر برابر قانون نظام معماری و ساختمانی حسب مورد با توجه به اهمیت موضوع به ٦ ماه تا سه

سال محرومیت از کار و در صورتی که مجدداً مرتکب تخلف شود که منجر به صدور رأی تخریب به وسیله کمیسیون ماده ۱۰۰ گردد به حداکثر مجازات محکوم کند. مراتب محکومیت از طرف شورای انتظامی نظام معماری و ساختمانی در پروانه اشتغال درج و در یکی از جرائد کثیرالانتشار اعلام می‌گردد. شهرداری مکلف است تا صدور رأی محکومیت به محض وقوف از تخلف مهندس ناظر و ارسال پرونده کمیسیون ماده ۱۰۰ به مدت حداکثر شش ماه از اخذ گواهی امضاء مهندس ناظر مربوطه برای ساختمان جهت پروانه ساختمان شهرداری خودداری نماید. مأموران شهرداری نیز مکلفند در مورد ساختمان‌ها نظارت نمایند و هرگاه از موارد تخلف در پروانه به موقع جلوگیری نکنند و یا در مورد صدور گواهی انطباق ساختمان با پروانه مرتکب تقصیری شوند طبق مقررات قانونی به تخلف آنان رسیدگی می‌شود و در صورتی که عمل ارتکابی مهندسان ناظر و مأموران شهرداری واجد جنبه جزائی هم باشد از این جهت نیز قابل تعقیب خواهند بود. در مواردی که شهرداری مکلف به جلوگیری از عملیات ساختمانی است و دستور شهرداری اجرا نشود می‌تواند با استفاده از مأموران اجرائیات خود و در صورت لزوم مأموران انتظامی برای متوقف ساختن عملیات ساختمانی اقدام نماید.

تبصره ۸. دفاتر اسناد رسمی مکلفند قبل از انجام معامله قطعی در مورد ساختمان‌ها گواهی پایان ساختمان و در مورد ساختمان‌های ناتمام گواهی عدم خلاف تا تاریخ انجام معامله را که توسط شهرداری صادر شده باشد ملاحظه و مراتب را در سند قید نمایند.

در مورد ساختمان‌هائی که قبل از تصویب قانون ٦ تبصره الحاقی به ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها (۱۳۵۵/۱۱/۲٤) معامله انجام گرفته و از ید مالک اولیه خارج شده باشد در صورتی که مورد معامله کل پلاک را شامل نگردد گواهی عدم خلاف یا برگ پایان ساختمان الزامی نبوده و با ثبت و تصریح آن در سند انجام معامله بلامانع می‌باشد.

در مورد ساختمان‌هائی که قبل از تاریخ تصویب نقشه جامع شهر ایجاد شده در صورتی که اضافه بناء جدیدی حادث نگردیده باشد و مدارک و اسناد نشان‌دهنده ایجاد بنا قبل از سال تصویب طرح جامع شهر باشد با ثبت و تصریح مراتب فوق در سند مالکیت انجام معامله بلامانع می‌باشد.

تبصره ۹.[1] ساختمان‌هائی که پروانه ساختمان آنها قبل از تاریخ تصویب نقشه جامع شهر صادر شده است از شمول تبصره ۱ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری معاف می‌باشند.

تبصره ۱۰. در مورد آراء صادره از کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری هرگاه شهرداری یا مالک یا قائم‌مقام او از تاریخ ابلاغ رأی ظرف مدت ۱۰ روز نسبت به آن رأی اعتراض نماید، مرجع رسیدگی به این اعتراض کمیسیون دیگر ماده ۱۰۰ خواهد بود که اعضای آن غیر از افرادی باشند که در صدور رأی قبلی شرکت داشته‌اند، رأی این کمیسیون قطعی است.

تبصره ۱۱. آیین‌نامه ارزش معاملاتی ساختمان پس از تهیه توسط شهرداری و تصویب انجمن شهر در مورد اخذ جرائم قابل اجراست و این ارزش معاملاتی سالی یک بار قابل تجدیدنظر خواهد بود.

ماده ۱۰۱. اداره ثبت اسناد و دادگاه‌ها مکلفند در موقع تقاضای تفکیک اراضی محدوده شهر و حریم آن عمل تفکیک را طبق نقشه‌ای انجام دهند که قبلاً به تصویب شهرداری رسیده باشد نقشه‌ای که مالک برای تفکیک زمین خود تهیه می‌نماید و برای تصویب به شهرداری در قبال رسید تسلیم می‌کند باید حداکثر ظرف دو ماه از طرف شهرداری تکلیف قطعی آن معلوم و کتباً به مالک ابلاغ شود. در صورتیکه در موعد مذکور شهرداری تصمیم خود را به مالک اعلام ننماید مراجع مذکور در فوق مکلفند پس از استعلام از شهرداری طبق نقشه‌ای که مالک ارائه می‌نماید عمل تفکیک را انجام دهند.

---

[1]- تبصره‌های ۹ تا ۱۱ به موجب ماده واحده لایحه قانونی اصلاح تبصره‌های ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، مصوب ۱۳۵۸/۶/۲۷ شورای انقلاب مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۰۰۸۸ مورخ ۱۳۵۸/۷/۱۹، اضافه شده‌اند.

معابر و شوارع عمومی که در اثر تفکیک اراضی احداث می‌شود متعلق به شهرداری است و شهرداری در قبال آن بهیچ عنوان وجهی بصاحب آن پرداخت نخواهد کرد.

ماده ۱۰۲. اگر در موقع طرح و اجرای برنامه‌های مربوط به توسعه معابر تأمین سایر احتیاجات شهری مندرج در ماده ۹۶ الحاقی این قانون به آثار باستانی برخورد شود شهرداری مکلف است موافقت وزارت فرهنگ و هنر را قبلاً جلب نماید و نیز شهرداریها مکلفند نظرات و طرح‌های وزارت فرهنگ و هنر را راجع به نخوه حفظ آثار باستانی و میزان حریم و مناظر ساختمان‌ها و میدان‌های مجاور آنها را رعایت نمایند.

تبصره ـ وزارت فرهنگ و هنر مکلف است ظرف سه ماه از تاریخ مراجعه وزارت کشور نظر قطعی خود را به شهرداری اعلام دارد.

ماده ۱۰۳. کلیه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و خصوصی موظفند قبل از هر گونه اقدامی نسبت به کارهای عمرانی واقع در مناطق مندرج در ماده ۹۷ و ۹۸ از قبیل احداث شبکه تلفن و برق و آب و سایر تأسیسات و همچنین اتصال راههای عمومی و فرعی رعایت نقشه جامع شهرسازی را بنمایند این قبیل اقدام باید با موافقت کتبی شهرداری انجام گیرد و مؤسسه اقدام‌کننده مکلف است هر گونه خرابی و زیانی را که در اثر اقدامات مزبور به اسفالت یا ساختمان معابر عمومی وارد آید در مدت متناسبی که با جلب نظر شهرداری تعیین خواهد شد ترمیم نموده و به وضع اول درآورد و الا شهرداری خرابی و زیان وارده را ترمیم و به حال اول درآورده هزینه تمام شده را با ۱۰٪ اضافه از طریق اجرای ثبت اسناد وصول خواهد کرد.

تذکار:

نظریه مشورتی شماره ۷/۳۷۲۸ مورخ ۱۳۷۲/۶/۱

۱) مالیات و عوارض شهرداری مربوط به انتقال ملک و سایر هزینه‌های انتقال که از طرف «**محکوم‌له**» پرداخت می‌شود بدون تقدیم دادخواست جداگانه از «**محکوم‌علیه**» قابل وصول است.

۲) رأی شماره ٤٩٣ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، ۱۳۹۹ با موضوع: ابطال تبصره ٤ بند ۲- ٤- ۱- ۲۱- ۲، ذیل جدول شماره ۱۱، کمیسیون ماده ۵ شورای عالی شهرسازی و معماری سال ۱۳۹۳ از تاریخ تصویب.

۳) توجه می‌دهد: کلیه ثبت اوراق دادخواست به دیوان عدالت اداری، از طریق دفاتر خدمات الکترونیک قضائی انجام می‌شود.

نمونه دادخواست دیوان عدالت اداری اعتراض به رأی کمیسیون ماده صد قانون شهرداریها/ ذی‌نفع / ذی‌سمت

باسمه تعالی

تحت شماره ----------

در شعبه ---------- سابقه دارد.

برگ دادخواست

شاکی محترم !آیا تا به حال در دیوان عدالت اداری طرح شکایت نموده اید ؟

	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شماره ملی	تاریخ تولد	تابعیت	شغل
مشخصات شاکی حقیقی							

	نام شرکت /موسسه / سازمان	شماره ثبت شرکت	نام و نام خانوادگی دارندگان حق امضا
مشخصات شاکی حقوقی	شهرداری منطقه.....		

آدرس پستی:	شماره تلفن همراه :	
	آدرس الکترونیکی	Email

وکیل یا نماینده قانونی	شماره پروانه وکالت	تاریخ اعتبار پروانه وکالت	آدرس پستی / الکترونیکی / شماره تلفن همراه (وکیل)

طرف شکایت : شهرداری....- شهرداری منطقه .....

موضوع شکایت و خواسته : بدواً دستور موقت و توقف عملیات اجرائی/ نقض رأی کمیسیون بدوی ماده صد شهرداری

شماره و تاریخ تصمیم /رأی مورد اعتراض : ۴۰۲۰۲۱۹۵۹ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۸

ضمائم و مستندات : ۱- دلی سمت/ فتوکپی مصدق کارت ملی ۲- فتوکپی مصدق قولنامه مورخ ۶۸/۰۲/۲۰
۳- فتوکپی مصدق بیع نامه مورخ ۹۷/۷/۱۷ ۴- فتوکپی مصدق جواز کسب ۵- فتوکپی مصدق نظر کارشناس رسمی رشته راه و ساختمان (تایید اصول سه گانه) بتاریخ.... ۶- فتوکپی مصدق نظر کارشناس رسمی رشته راه و شهرسازی و گواهی استحکام بنا بتاریخ.... ۷- فتوکپی مصدق دادنامه شماره ۸۵۵۲۵۹ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۳ کلاسه ۰۳۰۰۰۵۸۲ شعبه محترم... تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

شرح شکایت :

ریاست محترم دیوان عدالت اداری (شعبه تجدیدنظر مرجوع الیه)

سلام علیکم – با احترام خاطر عالی را مستحضر می دارد شکایت مطروحه بدلایل مشروحه آتی الذکر اعتبار قانونی را واجد بوده و مآلاً شایسته اجابت می باشد :

بدواً ارائه دلیل سمت و ذی نفعی :

عالی مقام رأی کمیسیون ماده صد بنام مرحوم آقای حسینعلی..... (که سالهای قبل مرحوم شده است و طرف شکایت با اطلاع از فوت مشارالیه و به عمد از درج نام اینجانب در رأی کمیسیون خودداری نموده تا موجبات تخریب را فراهم سازد در حالیکه در واحد مختلف فیه ، خانواد عائله مند سکونت گزیده است و هیچ یک از قواعد آمره ابلاغ قانونی یا واقعی به متخلف رعایت نشده و در عوض فرد فوت شده بعنوان متخلف در رأی کمیسیون قرار گفته است) صادر شده و در برگ کمیسیون اثری از قید شماره پلاک ثبتی وجود ندارد ، چه رقبه فاقد سابقه ثبتی است، یاد شده بر اساس بیع نامه مورخ ۱۳٦۸/۰۲/۲۰ (پیوست) این ملک را به همسر خود خانم زهرا ..... واگذار و مشارالیه نیز در تاریخ ۹۷/۷/۱۷ اقدام به فروش آن به موکل نموده (پیوست) و این کمترین بر اساس قانون مدنی و مستند به مواد ۱۰ و ۳۵ و ۲۱۹ و ۲۳۱ و ۳٦۲ این قانون ، مالک و در امور اداری قائم مقام فردی هستم که رأی کمسیون بنام او صادر شده است ،از طرفی برابر جواز بهره برداری از سازمان تربیت بدنی (پیوست) ، موکل نیز بهره بردار مستقیم و قانونی محسوب میگردد ، زیرا بر اساس آراء وحدت رویه ۹۸/٦۹ مورخ ۱۳٦۹/۹/۲۰ و ۸۳۲ مورخ ۱۳۸٤/۱۲/۲۱ موکل به موجب فتوکپی مصدق اسناد عادی ابرازی خریدار و بهره بردار بوده و به موجب مستفاد از آراء وحدت رویه قید شده هنگامی که مستاجر با یک برگ سند عادی اجاره ،ذی نفع قانونی محسوب می‌گردد ، به طریق اولی و با قیاس اولویت اینجانب هم قائم مقام مالکی که رأی کمیسیون تعمداً بنام او صادر شده و هم برابر جواز کسب ،ذی نفع محسوب میگردم ، وانگهی بر اساس ماده ٦۲ قانون احکام دائمی توسعه مصوب ۹۵/۱۱/۱۰ بعنوان قانون خاص مؤخر و ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی بعنوان قانون عام مقدم ، اسناد عادی قابلیت استماع در محاکم را دارا می‌باشند.

و نظریه شورای نگهبان مصوب ۱۳۹۲ بشرح زیر است:

مفاد مواد ٤٦ و ٤٧؛ قانون ثبت اسناد و املاک صرفاً اختیاری دانستن ثبت سند در برخی موارد و الزامی دانستن آن در سایر موارد است که این مطلب خودبخود ایرادی ندارد.

اما مفاد ماده ۲۲ قانون ثبت اسناد و املاک و نیز ماده ٤٨ آن که دلالت بر بی‌اعتبار دانستن اسناد عادی غیررسمی دارد اطلاق آن در مورد سند عادی که قرائن و ادله قانونی یا شرعی معتبر بر صحت مفاد آنها باشد خلاف شرع و باطل است و اما در مورد سند عادی همراه با قرائن و ادله فوق مانند سندی که بینه و شهادت شهود معتبر بر صحت آن باشد این اسناد معتبر است و دو ماده مزبور در چنین مواردی تخصیص خورده است و مواد ۱۲۸۵ و ۱۲۹۱ قانون مدنی اشاره به اینگونه اسناد عادی دارد.»

در نتیجه اسناد عادی ابرازی دلیل سمت و ذی نفعی و ذی حقی موکل اینجانب می‌باشد.

و از طرف دیگر زمانیکه نهاد شبه قضایی چون کمیسیون ماده صد طرف شکایت ، برای رقبه فاقد سابقه ثبتی و بنام مالک فوت شده اسبق رأی صادر می‌کند، رسیدگی به تخلفات این کمیسیون بر دیوان عدالت اداری مفروض می‌گردد .

اینک تشریح ذی نفعی و فرد ذی نفع:

بر عالی مقامان پوشیده نیست در دیوان عدالت اداری با عنایت به اطلاق مفهوم "نفع" در قانون دیوان عدالت اداری و اینکه ماده یک قانون مسئولیت مدنی نیز ضرر مادی و معنوی را قابل جبران اعلام کرده است، منظور از نفع، تنها نفع مادی نیست ، لذا چنانچه اقدام یا تصمیم دستگاه یا مامور دولتی موجب ورود خسارت مادی یا معنوی به شاکی گردد، شاکی ذی نفع تلقی می‌شود.

چه مطابق تبصره ۱ ماده صد قانون شهرداری، « کمیسیون پس از وصول پرونده به ذی نفع اعلام می کند که ظرف ده روز توضیحات خود را کتباً ارسال دارد ... . در مواردی که شهرداری از ادامه ساختمان بدون پروانه یا مخالف مفاد پروانه جلوگیری می‌کند مکلف است حداکثر ظرف یک هفته از تاریخ جلوگیری، موضوع را در کمیسیون مذکور مطرح نماید در غیر این صورت کمیسیون به تقاضای ذی نفع به موضوع رسیدگی خواهد کرد.»

از سوی دیگر مطابق ماده ۵۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی آن ، یکی از شرایط رسیدگی شعب دیوان عدالت اداری به دعاوی، ذی نفع بودن شاکی است؛ همچنین به موجب ماده ۱۷ قانون فوق ، شعب دیوان تنها به شکایاتی رسیدگی می کنند که از سوی ذی نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی وی مطرح شده باشد.

(ذی نفعان) در رابطه با اعتراض به آراء کمیسیون ماده صد قانون شهرداری در دیوان، به دو دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول: (ذی نفعانی) که در مرحله رسیدگی کمیسیون ماده صد، در دعوا حضور دارند:

با عنایت به اینکه طرح تخلف در کمیسیون ماده صد قانون شهرداری، معمولاً از سوی شهرداری صورت می گیرد، تشخیص ذی نفع نیز به شهرداری واگذار شده است، علاوه بر این تبصره ۱ ماده صد قانون شهرداری، به ذی نفع اجازه داده است تا در صورت عدم طرحِ تخلف توسط شهرداری در کمیسیون ماده صد تا مدت یک هفته از تاریخ جلوگیری از ساخت و ساز، موضوع را در کمیسیون ماده صد مطرح نماید. در این مورد ذی نفع تنها در صورتی می‌تواند بدواً موضوع را در کمیسیون ماده صد مطرح کند که شهرداری آن را تا مدت یک هفته از تاریخ جلوگیری از ساخت و ساز در کمیسیون مطرح نکند.

دسته دوم: ذی نفعانی که در مرحله رسیدگی کمیسیون ماده صد به عنوان طرف اصلی دعوا در دعوا حضور ندارند:

در بعضی موارد، بعضی ذی نفعان از سوی شهرداری، به عنوان ذی نفع شناسایی نشده و در کمیسیون، اشخاص دیگری به عنوان ذی نفع مطرح شده اند. در این شرایط در مورد "ورود ثالث" در مرحله رسیدگی کمیسیون و "اعتراض ثالث" به رای کمیسیون مذکور، دو نظر قابل طرح است:

۱-در موارد سکوت قانون در مورد آیین دادرسی در مراجع شبه قضایی، قانون آیین دادرسی مدنی به عنوان قانون مادر حاکم است و با عنایت به پیش بینی "ورود ثالث" و "اعتراض ثالث" در قانون آیین دادرسی مدنی، امکان ورود و یا اعتراض در مراجع شبه قضایی از جمله کمیسیون ماده صد قانون شهرداری نیز وجود دارد.

۲- مقررات "ورود ثالث" و "اعتراض ثالث" جزء قواعد خاص آیین دادرسی است (از جمله اعتراض ثالث که جزء طرق فوق العاده تجدیدنظر خواهی محسوب می شود)؛ لذا تحقق آن در مراجع شبه قضایی نیاز به تصریح قانونی دارد. بنابراین از آنجا که "ورود ثالث" و "اعتراض ثالث" در کمیسیون ماده صد پیشبینی نشده است، امکان ورود به دعوا در کمیسیون و یا اعتراض به رای کمیسیون وجود ندارد و با عنایت به اینکه ماده ۱ قانون آیین دادرسی مدنی مراجع شبه قضایی را در اعداد مراجعی که قانون مزبور بر آنها لازم الاتباع است نیاورده و با توجه به استدلالات مذکور، نظر دوم صحیح تر به نظر می رسد. اما در صورت پذیرش نظر دوم، آن دسته از (ذی نفعانی) که در مرحله رسیدگی کمیسیون ماده صد در دعوا حضور نداشته اند، نمی توانند در مرحله رسیدگی در کمیسیون ماده صد به عنوان ثالث وارد شده یا نسبت به آراء صادر شده از کمیسیون، اعتراض ثالث نمایند. به نظر می رسد با عنایت به اینکه حق دادخواهی از حق های اساسی بشر و اصول دادرسی منصفانه است و با توجه به اینکه ماده ۱۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری به ذی نفع اجازه طرح دعوا در شعب بدوی دیوان را داده و بند دو ماده ۱۰ قانون مذکور نیز "شاکیِ تصمیمات و آراء مراجع شبه قضایی" را به صورت مطلق مطرح نموده است، تمام ذی نفعان از آراء صادر شده از مراجع شبه قضایی چه در مرحله رسیدگی این مراجع حضور داشته باشند و چه حضور نداشته باشند، می توانند با احراز ذینفعی، از این آراء در شعب دیوان طرح شکایت نمایند.

دیوان عدالت اداری در آراء وحدت رویه مختلف زیر، نه تنها مالک بلکه مستاجر، اشخاصی که به موجب رای قطعی کمیسیون های ماده صد قانون شهرداری متخلف شناخته شده و علیه آنها رای صادر شده است و همسایه مجاور را نیز به عنوان ذی نفع مورد شناسایی قرار داده است:

رای شماره ۵ مورخ ۱۳۷۰/۰۲/۰۳ :

« با عنایت به مفاد رأی وحدت رویه هیأت عمومی ۲۱۵- ۶۹/۹/۲۰ مبنی بر اینکه برابر تبصره یک ماده صد قانون شهرداری ها کلمه ذی نفع در تبصره های دیگر ماده صد قانون شهرداری، منجمله تبصره ٤ تکرار شده، و برابر تبصره ۱۰ برای مالک یا قائم مقام او حق اعتراض برای کمیسیون های بدوی تصریح شده است، و طبیعی است مستأجر که مصداق بارز قائم مقام مالک در استیفای منافع بوده، و حتی در مدت اجاره مالک منافع مورد اجاره است، مصداق بارز ذی نفع در اعتراض و شکایت از آراء کمیسیون ها هم می باشد. از طرفی چه بسا وقوع تخلف ساختمانی، بوسیله مالک و سکوت او در مقابل آراء صادره از کمیسیون ها حقوق مستأجر در معرض تضییع و تفویت قرار گیرد. فلذا، رأی صادره از شعبه هفدهم دیوان، که متضمن این معنی می باشد، تأیید میگردد.»

رای شماره ۸۳۲ مورخ ۱۳۸٤/۱۲/۲۱ :

« با عنایت به صراحت قسمت اخیر تبصره یک ماده ۱۰۰ قانون شهرداری در زمینه لزوم ابلاغ موارد تخلف ساختمانی مورد ادعای شهرداری و جریان رسیدگی نسبت به آنها در کمیسیون ذیصلاح به کلیه اشخاص ذی نفع از جمله مستأجران واحدهای تجاری ومفاد دادنامه شماره ۲۱۵ مورخ ۰۵/۱۱/۱۳٦۹هیأت عمومی دیوان که در مقام ایجاد وحدت رویه انشاء شده است، دادنامه های شماره ٦۲۰-٦۱۹ مورخ ٦۸۷، ۰۳/۰۷/۱۳۷۵ مورخ ۲۹/۰۷/۱۳۷۵ و ٦۹۳ مورخ ۲۹/۰۷/۱۳۷۵ شعبه دوم که مورد تایید شعب اول و سوم تجدیدنظر قرار گرفته اند و متضمن این معنی می باشند، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می شود. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع ذیربط در موارد مشابه الزماالتباع است.»

رای شماره ۲۱۵- ۱۳٦۹/۰۹/۲۰ :

« صرف نظر از این که بر اساس آیین دادرسی و رویه محاکم قضایی جمهوری اسلامی ایران دعوی هر شخص ثالث و متضرر از احکام مسموع بوده و با احراز ذی نفع بودن وی سمت او برای طرح دعوی مسموع است و صرف نظر از این که مستنبط از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی هر زیان دیده ومتضرر حق تظلم و طرح دعوی و شکایت دارد اساساً نظر به این که برابر تبصره یک ماده صد قانون شهرداری ها "کمیسیون پس از وصول پرونده به ذی نفع اعلام می نماید توضیحات خود را کتباً ارسال و.... کمیسیون به تقاضای ذی نفع به موضوع رسیدگی خواهد کرد.... کلمه (ذی نفع) در تبصره های دیگر ماده صد قانون شهرداری منجمله تبصره ٤ تکرار شده و برابر تبصره ۱۰ برای مالک یا قائم مقام او حق اعتراض برای کمیسیون های بدوی تصریح شده است و طبیعی است مستأجر که مصداق بارز "قائم مقام مالک" در استیفای منافع بوده و حتی در مدت اجاره "مالک منافع" مورد اجاره است مصداق بارز"ذی نفع" در اعتراض و شکایت از آراء کمیسیون ها هم می باشد. از طرفی چه بسا وقوع تخلف ساختمانی به وسیله مالک و سکوت او در مقابل آراء صادره از کمیسیون ها حقوق مستأجر در معرض تضییع و تفویت قرار گیرد. بنا به مراتب مارالذکر رأی صادره از شعبه سیزدهم تأیید و ابرام می گردد.»

رای شماره ۲۳۵-۱۳٦۹/۱۱/۱٦ :

« با عنایت به رأی وحدت رویه شماره ۲۱۵- ٦۹/۹/۲۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مبنی بر اینکه برابر تبصره یک ماده صد قانون شهرداری ها، کمیسیون پس از وصول پرونده به ذی نفع اعلام می نماید توضیحات خود را کتباً ارسال، و... کمیسیون به تقاضای ذی نفع به موضوع رسیدگی خواهد کرد ... کلمه ذی نفع در تبصره های دیگر ماده صد قانون شهرداری منجمله تبصره٤ تکرار شده، و برابر تبصره ۱۰ برای مالک یا قائم مقام او، حق اعتراض برای کمیسیون های بدوی تصریح شده است، و طبیعی است مستأجر که مصداق بارز قائم مقام مالک در استیفای منافع بوده، و حتی در مدت اجاره مالک منافع مورد اجاره است، مصداق بارز ذی نفع در اعتراض و شکایت از آراء کمیسیون ها هم می باشد. از طرفی چه بسا وقوع تخلف ساختمانی بوسیله مالک و سکوت او در مقابل آراء صادره از کمیسیون ها، حقوق مستأجردر معرض تضییع و تفویت قرار میگیرد. بدین اعتبار رأی شماره ٤۰۱ مورخ ٦۹/٦/۱۰ صادره از شعبه سیزدهم دیوان نیز موافق قانون تشخیص گردید، که وفق ماده ۲۰ قانون دیوان، برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط، لازم الاتباع است.»

رای شماره ٤۱۸ مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۲۷ :

«با عنایت به انتساب تخلفات توسط شهرداری به شاکیان پرونده های فوق الذکر و این که کمیسیون های موضوع ماده صد قانون شهرداری نیز اشخاص مذکور را متخلف شناخته و علیه آنان مبادرت به صدور رأی قطعی کرده است، بنابراین اشخاص مذکور نیز به حکم قسمت اخیر تبصره یک ماده صد قانون شهرداری و بند الف ماده ۲۰ آیین دادرسی دیوان در زمینه اعتراض نسبت به رأیی که به نام آنان صادر شده است، ذی حق و دارای سمت قانونی می باشند. در نتیجه دادنامه شماره ۱۱۷۱ مورخ۷۹/۷/۹ شعبه چهاردهم بدوی دیوان در حدی که مبین این معنی است موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می شود.

این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع ذیربط در موارد مشابه لازم الاتباع است.»

رای شماره ۱۵ مورخ ۱۳۹۲/۲/۲۳ :

«اولا از این حیث که شعبه ۲۷ دیوان عدالت اداری، همسایه مجاور معترض به رأی کمیسیون بازنگری ماده ۱۰۰ قانون شهرداری را به عنوان ذی نفع تلقی نکرده است و مبادرت به صدور قرار رد شکایت کرده است و در همان حال شعبه ۲۸ دیوان عدالت اداری، در مورد مشابه شکایت شاکی (همسایه مجاور معترض به رأی کمیسیون بازنگری ماده ۱۰۰ قانون شهرداری) را قابل استماع دانسته است تعارض محرز است.

ثانیاً: نظر به این که مطابق آراء شماره ۸۳۲ ـ ۲۱/۱۲/۱۳۸٤و ۲۱۵ ـ۶۹/۹/۲۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، شکایت اشخاص ذی نفع از تصمیمات کمیسیون های ماده ۱۰۰ قانون شهرداری در دیوان عدالت اداری قابل استماع شناخته شده است و در موضوع تعارض اعلامی، همسایه مجاور ملک موضوع رأی کمیسیون بازنگری ماده ۱۰۰ قانون شهرداری به عنوان ذی نفع قابل شناسایی است و به تبع آن حق شکایت به خواسته ابطال رأی کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری را نیز داراست، بنابراین رأی شعبه ۲۸ دیوان عدالت اداری در حدی که شکایت را قابل استماع دانسته است صحیح و موافق مقررات است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ٤۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است.»

رای شماره ۱۱ مورخ ۷۵/۲/۱ :

« نظربه اینکه رأی کمیسیون ماده صد شهرداری علیه شاکی پرونده صادر گردیده و شاکی به هر حال متضرر از رأی موصوف می باشد لذا رأی معترض عنه از این جهت نقض و رسیدگی به شعبه دیگر محول می شود.»

البته با توجه به آراء وحدت رویه زیر مواد ۲۲، ٤۷ و ٤۸ قانون ثبت اسناد و املاک کشور، اثبات مالکیت در عین یا منافع اموال غیرمنقول، منوط به ارائه سند مالکیت و یا سند انتقال رسمی است والا اسناد عادی در هیچ یک از ادارات و محاکم، جز در موارد مصرح در قانون قابل ترتیب اثر نمی باشد.

رای شماره ٦۸ مورخ ۸۷/۲/۸ :

« اولاوجود تعارض بین دادنامه های ۷٤٥ـ۷٤٤ مورخ ۱۳۸۲/۰۵/۰٤ شعبه سیزدهم و ۲۸٤۱ مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۸ و ۲۵۷۸ مورخ۱۳۸۲/۱۱/۱۹ شعبه چهارم دیوان با دادنامه شماره ۱۱۹٦ مورخ ۱۳۸۲/۰۵/۲۸ شعبه چهاردهم محرز به نظر می رسد ثانیاً، علاوه بر اینکه آراء قطعی کمیسیون های تجدیدنظر ماده صد قانون شهرداری به طرفیت شاکیان صادر نشده اساساً با عنایت به مواد ۲۲،٤۷ و ٤۸ قانون ثبت اسناد و املاک کشور اثبات مالکیت در عین یا منافع اموال غیرمنقول منوط به ارائه سند مالکیت و یا سند انتقال رسمی است والا اسناد عادی در هیچ یک از ادارات و محاکم جز در موارد مصرح در قانون قابل ترتیب اثر نمی باشد. بنابراین مفاد دادنامه های صادره از شعب دیوان که شکایت شاکیان را به دلیل عدم ارائه اسناد مالکیت رسمی معتبر فاقد سمت لازم برای طرح شکایت و اعتراض نسبت به آراء قطعی کمیسیون های ماده ۱۰۰ قانون شهرداری اعلام داشته و متضمن صدور قرار رد شکایت به جهات مذکور است، موافق اصول و موازین قانونی می باشد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹و ماده ٤۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است.»

رای شماره ۱٦٦ مورخ ۱۳۷۵/۷/۲۸ :

« نظربه اینکه پذیرش اسناد عادی مبنی بر نقل و انتقال اراضی و املاک ثبت شده بدون تنفیذ و تأیید آنها توسط مراجع قانونی صلاحیت دار به شرح ماده ٤۸ قانون ثبت جواز قانونی ندارد بنابراین دادنامه شماره ۲۳۹– ۱۳۷۵/۰۳/۱۳ شعبه نهم و دادنامه ۹۳۱– ۱۳۷۳/۱۰/۲۹ شعبه یازدهم که متضمن این معنی می باشد موافق قانون تشخیص می گردد. این رأی مطابق ذیل ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوطه در موارد مشابه لازم الاتباع است.»

با عنایت به مفهوم "ذی نفع" در قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و آراء وحدت رویه فوق الذکر و نظریه شماره ۷/٤۲۹۳ –۱۳۹۰/۱۰/۰۳ اداره کل حقوقی قوه قضاییه، هر ذی نفعی می تواند نسبت به اقدامات و تصمیمات کمیسیون ماده صد قانون شهرداری اعتراض نماید و به نظر می رسد مصادیق مذکور در آراء وحدت رویه از قبیل مستاجر، همسایه مجاور، اشخاص متخلف در رای کمیسیون ماده صد، از باب غلبه بوده است و ذی نفع می تواند هر شخصی باشد که تصمیم یا اقدام کمیسیون، بر حقوق وی تاثیر می گذارد به گونه ای که برنده شدن شاکی، نفعی قانونی برای او به همراه داشته و محکومیت وی موجب ضرر نامبرده گردد. لذا در صورتی که اشخاصی غیر از مالک، مستاجر ، همسایه مجاور و اشخاصی که به موجب رای قطعی کمیسیون های ماده صد قانون شهرداری علیه آنها رای صادر شده

است، از تصمیمات و یا اقدامات ماده صد قانون شهرداری به شعب دیوان عدالت اداری شکایت نمایند، در صورت احراز ذی نفعی، شعب مکلف به رسیدگی می باشند.

حال آیا باید نفع مستقیم باشد یا خیر؟

قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری در این مورد ساکت است ولی از مفهوم ذی نفع و تعبیر حقوقدانان استفاده می شود که منظور از نفع، نفع مستقیم و شخصی است ، لذا چنانچه شاکی نسبت به موضوع شکایت نفع مستقیم و شخصی نداشته باشد، شکایت او پذیرفته نیست. البته باید توجه داشت که به لحاظ نظری بین مفهوم "ذینفع" در آیین دادرسی مدنی و آیین دادرسی اداری تفاوت هایی وجود دارد ، در دعاوی خصوصی نفع با سه قید "شخصی و مستقیم بودن"، "موجود بودن" و "قانونی بودن" شناخته می شود. حال آنکه در دعاوی اداری جز قید "قانونی بودن " سایر قیود به کیفیت دیگری مطرح می شوند. شایسته است که "احتمال عقلایی نفع" را (که به معنای معقول و منطقی بودن نفع است) جایگزین قیود مستقیم و شخصی و نیز بالفعل بودن نفع قرار دهیم زیرا با این راهکار از یک سو موجبات توسعه مفهوم ذی نفع را فراهم کرده و از سوی دیگر الزامات نظارت قضایی و تحقق حقوق شهروندی را رعایت کرده ایم. نهایتاً اینکه با تفسیر مبتنی بر آموزه های حقوق عمومی گرچه نباید اصل "ذینفع بودن" را نفی کرد اما باید با تغییر محتوای آن، میان مفهوم ذی نفع در دعاوی مطروحه در محاکم عام دادگستری و دعاوی مطروحه در دیوان عدالت اداری، قائل به تفکیک شویم و تمامی موضوعات در حقوق اداری با نفع عمومی و حقوق شهروندی پیوستگی دارند، چنانکه در دعاوی اداری اصل بر عام بودن ذینفع است مگر در موارد استثنایی نظیر دعاوی مطالبه خسارت، حال آنکه در آیین دادرسی مدنی، فرض بر شخصی و خصوصی بودن نفع است. با این حال در رویه کنونی دیوان، مفهوم "ذی نفع" در آیین دادرسی مدنی مورد پذیرش قرار گرفته و شعب دیوان، نفع مستقیم را به عنوان یکی از شروط تحقق ذی نفعی خواهان، مورد بررسی قرار می دهند.

حالیه شرح ماوقع :

عالیجناب ملک موکل فاقد سابقه ثبتی و فاقد هر گونه پروانه ساخت قبلی و قدمتی بیش از عمر تشکیل شهرداری دارد ، بواسطه قدمت ساخت و انباشت لایه به لایه آسفالت در پشت بام و به منظور ایمنی بخشی هر چه بیشتر ، تراکم آسفالت از پشت بام تخلیه و سقف شیروانی بر روی دیوار چینی بلند ابتدایی با رعایت کلیه اصول و قواعد شهرسازی و استحکام سازی انجام گردید.

طرف شکایت محترم بعد از اقدامات مذکور ، مزاحمت متعدد از طریق عوامل خود ایجاد و جهد نمود تا مبلغ هنگفتی در قالب هبه و بدون ارجاع مسئله به مبادی قانونی اخذ نماید ، به همین دلیل ابتدا به تغییر کاربری مسکونی ملک به کاربری ورزشی تعرض نمود و زمانیکه از این ترفند نصیبی نساخت ، آنرا در کمیسیون ماده صد بدون اندک کارشناسی یا حتی بازدید از ملک ، و با طرح ادعای بلادلیل فقدان استحکام بنا و عدم رعایت اصول شهرسازی و بهداشتی ،به رفع بنا اظهار نظر نمود .

در حالیکه برابر گزارش کارشناس رسمی دادگستری و کارشناس رسمی استحکام بنا ، کلیه اصول ثلاثه و قواعد شهرسازی و معماریو بهداشتی رعایت بنحوی که استحکام بنا به تأیید کارشناسی رشته راه و شهرسازی و دارای گواهی امضاء در تأیید یا رد استحکام بنا، رسیده که معتمد شهرداری طرف شکایت در اکثر موارد مشابه می‌باشد .(نظر کارشناسان رسمی به پیوست تقدیم است)

این ضعیف بی بضاعت ، با رقم شهریه (۰۰ هزار تومان) که حسب اطلاعات مسموع شده از سازمان تربیت بدنی شهرستان .....، توسط این باشگاه از علاقمندان به ورزش نوجوانان، جوانان، افراد میانسال و حتی پا به سن گذاشته و دختر خانم ها ،خانم های محترمه ، کمترین میزان متصوره اخذ و به معنی اکمل و اتم ،عام المنفعه و در راستای بهبود کمبود سرانه ورزشی ایجاد و برابر نظر کارشناس رسمی تمامی قواعد لازم بر امور فنی و بهداشتی و شهرسازی رعایت شده و مورد استقبال قاطبه اهالی محل قرار گرفته است .

با این وصف ، شهرداری طرف شکایت ، رقبه ای را به کمیسیون ماده صد ارجاع داده که خودش برای آن پروانه ای صادر نکرده تا بدان سبب، مدعی احداث خلاف پروانه شود و متناسب با آن پایانکاری هم صادر نماید .

اینک با حفظ این مقدمه ، دلایل نقض بشرح ذیل است :

اولاً : بموجب مستفاد از تبصره های ۱ و ۲ و ۳ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، رأی تخریب در هر موردی در صورتی جایز است که کارشناس تخریب را تجویز نماید و یا اینکه جریمه تعیین شده از سوی متخلف پرداخت نشود ، در حالیکه هیچ کارشناسی از ملک صورت نگرفته است .

ثانیاً : تخریب و قلع بنا از ناحیه شهرداری محصور و محدود به تخلف از اصول شهرسازی فنی و بهداشتی و عدم ارائه گواهی استحکام بنا است و معیار تشخیص به اهل خبره ارجاع میشود و با جلب نظر کارشناس رسمی کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، مجاز به تخریب بناء میباشد ، که در مانحن فیه شهرداری طرف شکایت بدون کمترین کارشناسی و یا صدور اخطار به منظور مطالبه گواهی استحکام بنا و بر خلاف جواز کسب صادره از سازمان تربیت بدنی بدون توجه به کمبود سرانه ورزشی ، و به اغراض نفسانی رای معترض علیه را صادر نموده و گزارش کارشناس رسمی دادگستری متضمن رعایت اصول سه گانه شهرسازی ، فنی ، بهداشتی و گزارش کارشناس رسمی استحکام بنا مؤید بی محل بودن رای کمیسیون ماده ۱۰۰ می باشد.

ثالثاً : شهرداری مطابق ماده ۱۰۰ قانون مذکور بایستی از عملیات اجرائی ساختمانهای بدون پروانه یا مخالف مفاد پروانه بوسیله مامورین خود جلوگیری کند و سهل انگاری شهرداری در اعمال نظارت و عمل به وظیفه قانونی و مقامی خود و پیشگیری قبل از وقوع تخلف ساختمانی دلیل قلع تاسیسات و بناهای خلاف

مشخصات مندرج در پروانه نبوده، مگر اینکه استمرار تخلف واقع شده توسط کارشناس رسمی دادگستری مخالف اصول شهرسازی و فنی و یا بهداشتی تشخیص داده شود که در آن صورت، تخریب جایز بوده و بر طبق قاعده اقدام علیه خود شهرداری مسئولیتی در باب خسارات وارد ناشی از تخریب به اینجانب نخواهد داشت، چرا که سبب اقوی از مباشر میباشد.

رابعاً : کلمه میتواند در صدر ماده ۱۰۰ قانون مبحوث فیه مفید اختیار کمیسیون در صدور رأی به تخریب یا جریمه است و کمیسیون منحصراً مکلف به تخریب نمیباشد.

خامساً : هیچ پروانه ساختمانی متعلق به پلاک ثبتی وجود ندارد .

سادساً : دلیل کارشناسی متضمن الزام به تخریب وجود ندارد .

سابعاً : برای تایید رای تخریب صادره از کمیسیون ماده صد شهرداری ها , وجود چند عنصر را شرط لازم می دانم و در صورت فقد هر یک از این چند عنصر رای تخریب نقض می گردد:

۱- احراز صحت ابلاغ ها و صدور رای بر اساس مقررات آیین دادرسی مدنی

۲- احراز مغایرت فنی و شهرسازی و بهداشتی ساختمان با پروانه یا نداشتن پروانه ساخت

۳- احراز ضرورت تخریب و مستند و مستدل نمودن ضرورت به صورت خاص و بدون کلی گویی

٤-مسقف نبودن ملک

(بر اساس نظریه مورخ۱۳٦۳/۲/۱۱ شورای عالی قضایی و نظریه شماره۷/٤٥۸۹ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۷ اداره حقوقی و امریه رهبری معظم ؛ تخریب بنای مسقف تجویز نگردیده است.)

در ما نحن فیه:

اولاً : ملک و میزان تخلف احتمالی طوری است که در صورت رفع خلاف به اساس ملک صدمه وارد ساخته پیکره سازه را با خطر فرو پاشی جدی مواجهه میسازد.

ثانیاً : تخریب بنا اتلاف منابع ملی محسوب می شود و ضرورتی برای قلع آن مشهود نیست.

ثالثاً : حقوق محرز اینجانب از ناحیه رأی خلاف واقع ، با خاک پست گردیده است.

رابعاً : ادعای تغییر کاربری با دستورالعمل وزارت ورزش و جواز کسب صادره متنافی است .

خامساً : هیچ معارضی در همسایگی وجود ندارد .

بنائا به مراتب و معنونه در فوق:

رسیدگی و استماع خواسته و صدور حکم بر ورود شکایت بشرح ستون خواسته مورد استدعاست.

بدواً به منظور فوریت امر و عدم امکان جبران خسارت ، دستور موقت مبنی بر توقف عملیات اجرائی و رفع آثار حاصل از آن مزید امتنان خواهد بود .

با تشکر و تجدید احترام

جعفراخترنیا

به شعبه ارجاع می شود.	تاریخ ثبت : / / ۱۳
امضا رئیس / معاون دیوان عدالت اداری	شماره ثبت : / ۰۹۹۸۰۹۰۰۰/

مستخرج از قانون و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری

دادخواست باید به تعداد طرف شکایت به اضافه یک نسخه نوشته شود و موضوع شکایت و خواسته صریح و منجز باشد . شاکی باید رونوشت یا تصویر خوانا و مصدق اسناد و مدارک مورد استفاده خود را به تعداد طرف شکایت به اضافه یک نسخه پیوست دادخواست نماید و چنانچه دادخواست توسط وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی شاکی تقدیم شده باشد باید رونوشت یا تصویر گواهی شده سند مثبت سمت دادخواست دهنده نیز ضمیمه گردد.

آدرس : تهران – خیابان بهشت (خیابان جنوبی پارک شهر) دیوان عدالت اداری کدپستی ۱۱۱۴۷۳۳۹۴۱

نشانی استعلام اینترنتی : www.divan-edalat.ir , info@divan-edalat.ir

نکته: برابر تبصره ۲ الحاقی مصوب ۱۴۰۲/۲/۱۰، اعتراض به آراء کمیسیون ماده صد مستقیماً در یکی از شعب تجدیدنظر و دیوان عدالت اداری رسیدگی می‌گردد.

فَلا تَتَّبِعُوا الْهَوی اَنْ تَعْدِلُوا

تاریخ: ۱۴۰۲

شماره:.....

دادگستری جمهوری اسلامی ایران

دادنامه

شعبه ..... دادگاه تجدیدنظر استان.....

خواهان: آقای حسین.....

خواندگان:

۱- ودجا پانصد و سی و شش هزار و ششصد و نود و هشت

۲- ناجا معاونت حقوقی و قوانین اداره حقوقی و رسیدگی به دعاوی سازمان وظیفه عمومی

خواسته: درخواست الزام به صدور کارت پایان خدمت

گردشکار: به تاریخ فوق در وقت فوق‌العاده جلسه شعبه سی و دوم دیوان عدالت اداری به تصدی امضاء کننده زیر تشکیل است و پرونده شماره فوق تحت نظر قرار دارد. با عنایت به محتویات پرونده ختم رسیدگی اعلام و با استعانت از خداوند متعال به شرح آتی مبادرت به اصدار قرار می‌گردد.

(قرار ردّ شکایت)

برابر تبصره ٤ ماده ١٦ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ (با اصلاحات و الحاقات بعدی)، «.... در مواردی که اشخاص ذی‌نفع تقاضای انجام امر اداری یا خودداری از انجام آن را از دستگاه‌های مذکور [دستگاه‌های موضوع بندهای ۱ و ۳ ماده ۱۰ این قانون] دارند، ابتدا باید تقاضای خود را به دستگاه مربوط ارائه دهند و آن دستگاه مکلف است ضمن ثبت درخواست و ارائه رسید، حداکثر ظرف سه ماه به صورت کتبی پاسخ قطعی را (نفیاً یا اثباتاً) به ذینفع ابلاغ نماید مگر این که در سایر قوانین ظرف زمانی معینی برای پاسخ‌گویی دستگاه‌ها و مأموران مذکور مشخص شده باشد یا فوریت موضوع، اقتضای زمان کوتاه‌تری را داشته باشد. چنانچه با اقتضای مهلت مذکور، آن دستگاه از ابلاغ پاسخ مقتضی خودداری نماید، ذی‌نفع می‌تواند با رعایت مواد مذکور در تبصره ۳ این ماده از زمانن انقضای مهلت پاسخ و معاذیر قانونی یا شرعی، در دیوان طرح شکایت نماید.» با عنایت به مراتب فوق و نظر به این که؛ شاکی ترتیب فوق را رعایت نکرده و بدون این که درخواست خود را بدواً به دستگاه ذی‌ربط ارائه دهد، مستقیماً به دیوان عدالت اداری مراجعه و طرح دعوی نموده است. بنابراین شکایت وی در وضعیت فعلی، مسموع نبوده و با استناد به مقرره پیش گفته و ایضاً ماده ۱۷ همان قانون، قرار ردّ آن صادر و اعلام می‌گردد. این قرار، ظرف بیست روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظر خواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

دادرس شعبه ۳۲ دیوان عدالت اداری- .....

نمونه دستور موقت منطبق با قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۴۰۲

دادگستری جمهوری اسلامی ایران

فَلا تَتَّبِعُوا الْهَوی اَنْ تَعْدِلُوا

تاریخ: ۱۴۰۲

شماره:.....

دادنامه

شعبه ..... دادگاه تجدیدنظر استان.....

پرونده کلاسه ۱۴۰۳۳۱۹۲۰۰۰۰۲۴۸۴۸۹ شعبه ..... تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تصمیم نهایی شماره .....

شاکی: آقای حسن ..... فرزند ..... به نشانی .....

طرف شکایت: شهرداری .....

موضوع شکایت: اعتراض به رأی شماره..... کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری

خواسته: صدور دستور موقت مبنی بر توقف عملیات اجرایی

گردشکار: شاکی دادخواستی به خواسته فوق به دیوان عدالت اداری تسلیم و اعلام داشته اجرای رأی/ مصوبه مذکور موجب خسارت و ضرر غیر قابل جبران به اینجانب می‌گردد و تقاضای صدور دستور موقت مبنی بر توقف عملیات اجرایی آن را تا تعیین تکلیف و صدور رأی قطعی شکایت نموده است. دادخواست تقدیمی پس از ثبت به این شعبه ارجاع گردیده است. اینک شعبه به تاریخ یاد شده جهت رسیدگی به پرونده به تصدی امضاء کنندگان ذیل تشکیل و با ملاحظه و بررسی محتویات پرونده و با استعانت از خداوند متعال به شرح آتی مبادرت به اتخاذ تصمیم می‌نماید.

قرار شعبه دیوان

در خصوص درخواست شاکی به طرفیت مشتکی عنه به خواسته مذکور با بررسی مفاد درخواست و ضمائم آن نظر به اینکه اجرای رأی موصوف موجب خسارت به شاکی به نحوی که جبران آن در آتیه غیر ممکن و متعسر خواهد بود و ضرورت و فوریت صدور دستور موقت محرز می‌باشد لذا به تجویز ماده ۳۵ قانون عدالت اداری دستور موقت مبنی بر توقف عملیات اجرایی موضوع رأی معترض عنه تا تعیین تکلیف و صدور رأی قطعی صادر و اعلام می‌گردد. این دستور حسب تبصره ماده ۳۵ قانون مزبور تأثیری در اصل شکایت ندارد و در صورت رد شکایت یا صدور قرار سقوط یا رد دادخواست اصلی ملغی‌الاثر خواهد بود. طرف شکایت پس از ابلاغ دستور موقت مکلف است طبق آن اقدام و در صورت استنکاف، شعبه صادر کننده دستور موقت، متخلف را به انفصال از خدمت به مدت شش ماه تا یک سال و جبران خسارت وارده محکوم می‌نماید. اجرای این دستور طبق تبصره ۲ ماده ۳۵ قانون دیوان عدالت اداری منوط به تأیید رئیس دیوان است و چنانچه حداکثر ظرف مدت یک هفته از زمان وصول، رئیس دیوان نظر خود را اعلام ننماید دستور موقت صادره لازم‌الاجرا خواهد بود. رأی صادره قطعی است.

رئیس شعبه ... تجدیدنظر دیوان عدالت اداری مستشار شعبه .... تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

نمونه دیگر/ دستور موقت

دادگستری جمهوری اسلامی ایران

فَلا تَتَّبِعُوا الْهَوی اَنْ تَعْدِلُوا

تاریخ: ۱۴۰۲

شماره:.....

دادنامه

شعبه ..... دادگاه تجدیدنظر استان.....

شماره دادنامه: .....

مرجع رسیدگی: شعبه ... تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

نشانی: آقای عبدالرضا.....

طرف شکایت: ۱- شهرداری .....

کمیسیون ماده صد شهرداری به نشانی.....

موضوع شکایت اعتراض به رأی شماره..... کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری (شاکی شماره ابلاغیه را درج کرده است)

خواسته: صدور دستور موقت مبنی بر توقف عملیات اجرایی

گردشکار: شاکی دادخواستی به خواسته فوق به دیوان عدالت اداری تسلیم و اعلام داشته اجرای رأی/ مصوبه مذکور موجب خسارت و ضرر غیر قابل جبران به اینجانب می‌گردد و تقاضای صدور دستور موقت مبنی بر توقف عملیات اجرایی آن را تا تعیین تکلیف و صدور رأی قطعی شکایت نموده است دادخواست تقدیمی پس از ثبت به این شعبه ارجاع گردیده است اینک شعبه به تاریخ یاد شده جهت رسیدگی به پرونده به تصدی امضاء کنندگان ذیل تشکیل و با ملاحظه و بررسی محتویات پرونده و با استعانت از خداوند متعال به شرح آتی مبادرت به اتخاذ تصمیم می‌نماید.

قرار شعبه دیوان

در خصوص درخواست شاکی به طرفیت مشتکی عنه به خواسته مذکور با بررسی مفاد درخواست و ضمائم آن نظر به اینکه اجرای رأی موصوف موجب خسارت به شاکی به نحوی که جبران آن در اتیه غیر ممکن و متعسر خواهد بود و ضرورت و فوریت صدور دستور موقت محرز می‌باشد، دستور صدور رأی قطعی صادر و اعلام می‌گردد. این دستور حسب تبصره ماده ۳۵ قانون مزبور تأثیری در اصل شکایت ندارد و در صورت رد شکایت صدور قرار سقوط یا رد در درخواست اصلی ملغی‌الاثر خواهد بود. طرف شکایت پس از ابلاغ دستور موقت مکلف است طبق آن اقدام و در صورت استکاف، شعبه صادر کننده دستور موقت، متخلف را به انفصال از خدمت به مدت شش ماه تا یک سال و جبران خسارت وارده محکوم می‌نماید اجرای این دستور طبق تبصره ۲ ماده ۳۵ قانون دیوان عدالت اداری منوط به تایید رئیس دیوان است و چنانچه حداکثر ظرف مدت یک هفته از زمان وصول، رئیس دیوان نظر خود را اعلام ننماید دستور موقت صادره لازم‌الاجرا خواهد بود. رأی صادره قطعی است.

رئیس شعبه ... تجدیدنظر دیوان عدالت اداری مستشار شعبه ... تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

نمونه حکم شعبه تجدیدنظر دیوان/ تایید رأی کمیسیون ماده صد

دادگستری جمهوری اسلامی ایران

فَلا تَتَّبِعُوا الْهَوی اَنْ تَعْدِلُوا

تاریخ: ۱۴۰۲

شماره:.....

دادنامه

شعبه ..... دادگاه تجدیدنظر استان.....

پرونده کلاسه..... شعبه..... تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تصمیم نهایی شماره.....

شاکی: آقای .....

طرف شکایت: شهرداری .....

موضوع شکایت: اعتراض به رأی شماره..... کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری

خواسته: صدور دستور موقت مبنی بر توقف عملیات اجرایی

گردشکار: شاکی دادخواستی به خواسته فوق به دیوان عدالت اداری تسلیم و اعلام داشته اجرای رأی/ مصوبه مذکور موجب خسارت و ضرر غیر قابل جبران به اینجانب می‌گردد و تقاضای صدور دستور موقت مبنی بر توقف عملیات اجرایی آن را تا تعیین تکلیف و صدور رأی قطعی شکایت نموده است. دادخواست تقدیمی پس از ثبت به این شعبه ارجاع گردیده است. اینک شعبه به تاریخ یاد شده جهت رسیدگی به پرونده به تصدی امضاء کنندگان ذیل تشکیل و با ملاحظه و بررسی محتویات پرونده و با استعانت از خداوند متعال به شرح آتی مبادرت به اتخاذ تصمیم می‌نماید.

قرار شعبه دیوان

در خصوص درخواست شاکی به طرفیت مشتکی‌عنه به خواسته مذکور با بررسی مفاد درخواست و ضمائم آن نظر به اینکه اجرای رأی موصوف موجب خسارت به شاکی به نحوی که جبران آن در آتیه غیرممکن و متعسر خواهد بود و ضرورت و فوریت صدور دستور موقت محرز می‌باشد لذا به تجویز ماده ۳۵ قانون دیوان عدالت اداری دستور موقت مبنی بر توقف عملیات اجرایی موضوع رأی معترض عنه تا تعیین تکلیف و صدور رأی قطعی صادر و اعلام می‌گردد. این دستور حسب تبصره ماده ۳۵ قانون مزبور تأثیری در اصل شکایت ندارد و در صورت رد شکایت یا صدور قرار سقوط یا رد دادخواست اصلی ملغی‌الاثر خواهد بود. طرف شکایت پس از ابلاغ دستور موقت مکلف است طبق آن اقدام و در صورت استنکاف، شعبه صادر کننده دستور موقت، متخلف را به انفصال از خدمت به مدت شش ماه تا یک سال و جبران خسارت وارده محکوم می‌نماید. اجرای این دستور طبق تبصره ۲ ماده ۳۵ قانون دیوان عدالت اداری منوط به تایید رئیس دیوان است و چنانچه حداکثر ظرف مدت یک هفته از زمان وصول، رئیس دیوان نظر خود را اعلام ننماید دستور موقت صادره لازم‌الاجرا خواهد بود. رأی صادره قطعی است.

رئیس شعبه .... تجدیدنظر دیوان عدالت اداری　　مستشار شعبه .... تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

نمونه دادخواست تجدیدنظر/ احتساب سنوات خدمت جانبازان و معلولین

باسمه تعالی

قوه قضائیه
دیوان عدالت اداری

برگ دادخواست تجدیدنظر

به شعبه..... ارجاع می‌شود.
رئیس/ معاون دیوان عدالت اداری
تاریخ تقدیم دادخواست:
تاریخ ثبت:
شماره ثبت:

مشخصات تجدیدنظرخواه حقیقی	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شماره ملی	تاریخ تولد	تابعیت	شغل
مشخصات تجدیدنظرخواه حقوقی	نام شرکت /موسسه / سازمان		شماره ثبت شرکت	کد اقتصادی	نام و نام خانوادگی اشخاص دارای حق طرح دعوی		
	نام دستگاه / سازمان دولتی		شناسه ملی	کد اقتصادی	نام و نام خانوادگی و سمت تقدیم کننده دادخواست		
	اداره کل آموزش و پرورش استان زنجان				علی		

آدرس پستی:	کاربری ثنا	شماره تلفن همراه :
		نمابر:

وکیل یا نماینده قانونی	شماره ملی	کاربری ثنا	شماره پروانه وکالت	آدرس پستی / الکترونیکی / شماره تلفن همراه (وکیل)

تجدیدنظر خوانده: ۱- غلامرضا.....

شعبه صادر کننده رأی تجدیدنظر:	شماره و تاریخ رأی مومرد اعتراض:	تاریخ ابلاغ رأی مورد اعتراض:

دلایل و منضمات و جهات تجدیدنظر خواهی:

شماره و تاریخ تصمیم /رأی مورد اعتراض :

ریاست محترم شعبه تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

با سلام

احتراماً بدینوسیله نسبت به دادنامه شماره ..... مورخ..... صادره از شعبه..... بدوی دیوان عدالت اداری، مبنی بر شکایت آقای..... علیه اداره کل آموزش و پرورش استان .....، در مهلت مقرر قانونی اعتراض داشته و با عنایت به موارد به شرح ذیل، رسیدگی مجدد در جهت نقض اصلاح دادنامه مورد استدعاست.

دادنامه صادره مغایر با قوانین جاری کشور بوده و اداره جهات تجدیدنظر خواهی می‌باشد.

۱- سنوات ارفاقی موضوع ماده ۲۷ قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران صرفاً از لحاظ بیمه و بازنشستگی جزء سنوات خدمت محسوب شده است و قابل احتساب در احکام کارگزینی زمان اشتغال نمی‌باشد.

۲- حسب صراحت ماده مذکور پرداخت مابه‌التفاوت کشور بیمه و بازنشستگی سهم کارمند و یا کارگر و کارفرما برعهده دولت است که با آخرین حقوق و مزایای مشمول کسور بیمه و بازنشستگی محسابه و یکجا به صندوق بازنشستگی مربوط واریز می‌شود و این دستگاه تکلیفی به پرداخت مابه‌التفاوت حق بیمه ندارند.

۳- نسبت به موضوع مشابه پرونده‌های متعدد از سایر اشخاص در شعبات محترم دیوان مطرح گردیده که منتج به رد شکایت گردیده است که نمونه آن دادنامه شماره..... مورخ ..... موضوع پرونده شماره..... مربوط به آقای پرویز ..... صادره از شعبه سی و یکم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد (پیوستی)

با تشکر و تجدید احترام - وکیل شاکی - جعفر اخترنیا

به شعبه ارجاع می شود.	تاریخ ثبت : / / ۱۳
امضا رئیس / معاون دیوان عدالت اداری	شماره ثبت : / ۰۹۹۸۰۹۰۰۰/